



پارسه پاسارگاد

Parsa Pasargadae

Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد
سال پنجم / شماره ۱۵ / تابستان ۱۳۹۹



■ عکس روی جلد: نمایی از کاخ تچر در تخت جمشید- عکس از : افشین آریافر

- ۱ ■ سخن سردبیر: یادداشت دکتر حمید فدایی
- ۲ ■ اختصاصی: پایان فصل چهارم کاوش آبراهه های تخت جمشید
- ۶ ■ بازتاب: بررسی و شناسایی به منظور تهیه نقشه باستانشناسی دشت مرودشت
- ۱۲ ■ رویداد: گزارشی مختصر از فعالیتهای فصل تابستان کارگروههای مختلف در تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد
- ۲۲ ■ از دریچه دوربین: درخشش تخت جمشید
- ۲۴ ■ گزارش یک دیدار: گنجعلی زارع پیشکسوت مرمت کار تخت جمشید
- ۲۶ ■ روایت یک بازدید: معرفی معادن سنگ تاریخی پاسارگاد
- ۲۸ ■ صنایع دستی، گردشگری و بوم گردی: صنایع دستی و بازنده سازی هنر هخامنشی (حجاری سنتی)
- ۳۰ ■ بیشتر بخوانیم: لزوم توجه به تفاوت موجود در نسخه های چند زبانه کتیبه های شاهی هخامنشی
- ۳۴ ■ یادنامه: یاد از زنده یاد پروفسور علیرضا شاپور شهبازی



پارسه پاسارگاد

parsa pasargadae فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد
سال پنجم / شماره ۱۵ / تابستان ۱۳۹۹ Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

مدیر مسئول: حمید فدایی- افشین ابراهیمی

سردبیر: حمید فدایی

ویراستار: مهرناز بردبار

امور اجرایی: مهرناز بردبار- فرزانه گرامی

هیات تحریریه: کارشناسان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

طراحی لوگو، یونیفرم و صفحه آرای: افشین آریافر / کانون تبلیغات کوب: ۰۹۱۷۱۱۶۶۱۱۵

نشانی:

دفتر شماره ۱: فارس- مرودشت- مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

دفتر شماره ۲: فارس- مرودشت- مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

تلفن دفتر شماره ۱: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۵۶ داخلی ۲۱۲ تلفن دفتر شماره ۲: ۰۹۱-۴۳۵۸۲۷۹۰-۰۷۱

دورنگار: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۷۳

آدرس وب سایت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد:

www.persepolis.info

www.pasargadae.info

تلگرام:

@persepolis_world_heritage_site

@pasargadae_world_heritage_site

ایمیل:

info@persepolis.ir

persepolis.whs

اینستاگرام:

دولت جهانی، امپراتوری متحد و مختلط با حفظ تنوع فرهنگی و احترام به هویت قومی و ... پیوند می یابد. بنابراین با تکیه بر این یکسانی در تکثیر الگوها و نمادها و البته عمق در تنوع مفاهیم و معنا، می توان عنوان "یادمان" را به کل امپراتوری هخامنشی تعمیم داد و به جهت هویتی آن را "عصر یادمانی" قلمداد نمود؛ یادمانی دو هزار و پانصدساله از ایجاد یکپارچگی در نیمی از دنیای باستان که خود الگویی موفق برای اداره یک دولت جهانی با دستاوردهای بیشمار در زمینه هنر و معماری، سیاست، اخلاق و ... بوده است.

از چشم اندازی دیگر، موضوع ارزش های طبیعی نیز در پدید آمدن "یادمان های هخامنشی" و به ویژه در شکل گیری مهمترین آنها یعنی تخت جمشید موثر بوده و از جنبه های هویت بخش به چنین مجموعه با شکوهی است. می توان گفت بستر و زمینه لازم ایجاد "معماری یادمانی" و رنگ و بوی آن است، پس ضروریست در بستر طبیعی شرایطی ایجاد شود که عناصر بتوانند بدرستی در آن استقرار یابند و بدان هویت دهند. بنابراین مفهوم "محوطه های یادمانی" با محیط به عنوان زمینه و بستر شکل گیری آنها کامل می گردد؛ با خلق مفاهیم طبیعی و منظر، تحولاتی سازنده در محیط حادث می شود و به ارزش های تاریخی "معماری یادمانی" افزوده می گردد و به تعبیری در "مناظر فرهنگی و یادمانی" جغرافیا بستری می گردد در خدمت تاریخ.

اما امروزه ارزش های مکانی و زمانی تخت جمشید بعنوان مهمترین "مجموعه یادمانی" از امپراتوری هخامنشی در پارسه که خود از مهمترین بسترهای زایشی این امپراتوری است، نیازمند شناختی عمیق است. فقدان چنین شناختی، اصل حفاظت از این "محوطه یادمانی" را با مشکل روبرو می سازد. به منظور مدیریت همه جانبه حفاظت در پهنه مناظر فرهنگی همچون منظر فرهنگی پارسه، باید یکپارچگی پیوند جغرافیایی و فرهنگی یادمان های آن با محیط در گذر زمان درک گردد و آنگاه مورد حفاظت قرار گیرد، بنابراین ضرورت دارد علاوه بر تمرکز بر جنبه های تاریخی و قدمتی این "دوره یادمانی"، جنبه های ارزشمند ملموس و ناملموس طبیعی و فرهنگی آن نیز مورد توجه و واکاوی قرار گیرد.



حمید فدایی

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید
عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

"یادمان گرایی" و خلق "معماری یادمانی" از ویژگی های مهم هنر و فرهنگ هخامنشی در انتقال ارزش های منحصر به فرد آن بوده است. بنابراین "میراث یادمانی" با ترکیبی از هنرهای مختلف تزئینی همچون حجاری، انواع کتیبه نگاری و ... همراه با نقوش ویژه و نمادین پدیدار می شود و خود صاحب هویت و شیوه ای ویژه و نوین در معماری می گردد. زبان ویژه هنری و نمادگرایی در هنرهای مختلف این امپراتوری اعم از هنر فلزگری، عناصر و تزئینات معماری، جواهرات و سنگ های قیمتی، نساجی و بافت، مهرها و ... جاری می شود و از آن کالبدی نمادگونه و با سبکی واحد در جغرافیای هخامنشی ترسیم می کند، به گونه ای که محوطه های شاخص این امپراطوری در عین کثرت، اما به دلیل وجوه مشترک در بیان هنری، گونه ای از وحدت را می نمایند و از این رو این "هنر یادمانی" در موزه های مختلف دنیا بخوبی قابل بازشناسی است.

این بیان مشترک و کالبد واحد هنری، خود نشانه هایی از وحدت را در مکان و زمان به همراه دارد. چنین میراثی در معنا نیز با مفاهیمی همچون: ارزش های تاریخی و اسطوره ای، نظم عمیق در

باستان شناسی در کنار کارشناسان پایگاه، تخت جمشید را بیش از گذشته زنده و پویا کرد. همچنین از حضور هیئت باستان شناسی در همکاری با واحد حفاظت و مرمت و بازگشایی تعدادی از دریاچه‌های مسدود شده آبراهه‌ها در کاخ‌های روی صفه و با هدف حفاظت از بقایای معماری در مقابل بارندگی، بهره مند شدیم که مهمترین آنها بازگشایی دریاچه مسدود شده آبراهه‌ای در حیاط شرقی کاخ آپادانا و همچنین در حیاط شمالی کاخ هدیش بوده است که به جهت حل مشکل آبیگری در کاخ‌های مذکور نقش بسیار مهمی در کاهش روند فرسایش آثار خواهد داشت.



پایان فصل چهارم کاوش آبراهه‌های تخت جمشید

سرپرست گروه کاوش آبراهه‌های تخت جمشید نیز در رابطه با تداوم کاوش‌های فصل سوم در ابتدای این فصل، اعلام کرد: در سال ۱۳۹۶ و در جریان فصل سوم کاوش، در محل دریاچه A آبراهه خاوری دروازه ناتمام به تراکمی از اسکلت‌های انسانی و حیوانی برخورد شده بود.

علی اسدی، ادامه داد: این موضوع باعث شد تا در آن برهه زمانی با توجه به محدودیت فضای آبراهه و کند شدن روند کار، گروه کاوش به جای قسمت جنوبی آبراهه عملیات خود را به سمت شمال آن انجام دهد.

وی افزود: کاوش فصل سوم در این قسمت تا فاصله ۳۳.۵۰ متری ادامه یافت و در انتها با شناسایی یک اسکلت انسانی کامل به پایان رسید که به دلیل پایان مدت زمان مجوز کاوش، کار بر روی آن به فصل چهارم موکول شد.



فصل چهارم کاوش آبراهه‌های تخت جمشید با دستاوردهای متعدد و ارزشمندی به پایان رسید.

فصل چهارم کاوش آبراهه‌های تخت جمشید با هدف بازگشایی بخش جنوبی آبراهه خاوری دروازه ناتمام انجام گرفت و در روند اجرایی این فصل از کاوش، کارگاه‌های دیگری با اهداف مختلف در محل دیوار جنوبی تخت گاه، حیاط خاوری کاخ آپادانا و حیاط شمالی کاخ هدیش ایجاد و مورد کاوش واقع شد.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید از پایان فصل چهارم کاوش آبراهه‌های تخت جمشید خبر داد و مطرح کرد: فصل چهارم کاوش آبراهه‌ها در ادامه فصل قبلی و در بخش شرقی دروازه نیمه تمام متمرکز شد که با کاوش بخش عمده‌ای از مسیر مسدود آبراهه‌ها، انتظار می‌رود موضوع هدایت و دفع آب‌های سطحی در این بخش از تختگاه بخوبی انجام شود.

حمید فدایی افزود: ضمن کاوش‌ها مجدداً به بقایایی از اسکلت‌های انسانی و حیوانی نیز برخورد شده است که ظرفیت‌های جدیدی در مطالعات رویدادهای دوره هخامنشی و پس از آن در تختگاه تخت جمشید ایجاد کرد.

وی نتایج به دست آمده از این فصل کاوش را حاصل برنامه ریزی و همکاری مجموعه‌ها و افراد مختلفی دانست و در این باره گفت: طی این فصل از کاوش‌ها حضور هیئت

اسدی در رابطه با یافته‌های جدید گفت: علاوه بر اسکلت‌های انسانی و حیوانی، در روزهای پایانی کاوش این آبراهه یک چهره انسانی تراشیده شده بر روی زائده صخره‌ای دیواره شرقی کارگاه شناسایی شد که در نوع خود جالب توجه بود.

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر شیراز با اشاره به اقدامات مربوط به کاوش در دیواره جنوبی تخت گاه تخت جمشید مطرح کرد: طی فصل چهارم کاوش آبراهه‌های تخت جمشید، دومین مرحله از کاوش دیوار جنوبی تخت گاه نیز انجام گرفت؛ این بخش از دیوار تخت گاه به واسطه انباشت حجم عظیم خاک‌های حاصل از کاوش‌های مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو در دهه ۱۹۳۰ میلادی پوشیده شده و نیاز بود تا ضمن آزادسازی نمای دیوار مذکور، مواد باستان شناختی فراوانی که در خاک انباشته وجود داشت نیز استخراج، ثبت و مطالعه شود.



تصویری از اسکلت‌های انسانی یافت شده در فصل چهارم کاوش آبراهه‌های تخت جمشید

اسدی در رابطه با استحکام بخشی و ساماندهی دیواره تخت گاه، گفت: با توجه به اینکه در پایان فصل سوم کاوش دیواره‌ها و کف کارگاه ایجاد شده بر روی دیوار تخت گاه استحکام بخشی نشده بود، در جریان فصل چهارم کاوش، بخش‌های فرو ریخته و شکاف برداشته دیواره‌ها و کف کارگاه نیز ساماندهی شد.

این باستان شناس نسبت به بازگشایی دریاچه‌های دفع آب‌های سطحی و یافته‌های جدید سنگی، بیان کرد: هم‌زمان با کاوش کارگاه‌های یاد شده در فصل چهارم، ۲ کارگاه نیز بر روی دریاچه‌های مسدود شده موجود در حیاط خاوری کاخ آپادانا و حیاط شمالی کاخ هدیش ایجاد شد؛ کاوش این دریاچه‌ها علاوه بر بازگشایی آنها که هدایت و تخلیه روان آب‌های سطحی به درون شبکه آبراهه‌ها را ممکن ساخت، به یافت قطعات متعدد ساقه ستون و سنگ‌های نقش دار هخامنشی منجر شد.

با توجه به تجربه به دست آمده در فصل سوم کاوش، در آغاز فصل چهارم پیش بینی می‌شد در صورت کاوش بخش جنوبی آبراهه خاوری دروازه ناتمام در محل دریاچه A، مجدداً به تراکم اسکلت‌های انسانی برخورد شود بر همین اساس و به منظور جبران کند شدن احتمالی روند کار، کارگاه دیگری تحت عنوان کارگاه D در فاصله ۴۰ متری جنوب دریاچه A بر روی آبراهه ایجاد شد تا هم‌زمان بخش دیگری از گروه امکان انجام عملیات کاوش از این سمت را داشته باشد.

به گفته اسدی، کارگاه D با ابعاد ۳ × ۳ متر ایجاد شد و در عمق ۳ / ۵۰ متری آن پس از برداشت یکی از بلوک‌های سنگی سقف آبراهه، عملیات کاوش رسوبات انباشت شده درون آن به سمت شمال تا رسیدن به بخش دیگری از گروه که در محل جنوب دریاچه A در حال کاوش بودند، ادامه یافت.

وی با تأکید بر پیدایش اسکلت‌های جدید در آبراهه‌های تخت جمشید، بیان کرد: همانگونه که پیش بینی شده بود، در روزهای ابتدایی شروع کاوش در محل جنوب دریاچه A آبراهه خاوری دروازه ناتمام به اسکلت‌های انسانی و حیوانی متعدد برخورد شد که به دقت مورد کاوش قرار گرفتند.

وی ادامه داد: پس از آن کاوش در آبراهه مذکور با به هم رسیدن دو بخش از گروه و بازگشایی کامل محدوده جنوبی آن پایان یافت.



تصویری از چهره انسانی تراشیده شده بر روی زائده صخره‌ای دیواره شرقی کارگاه

بخش بیشتری از نمای دیوار جنوبی تخت گاه تخت جمشید و یافت قطعات متعدد نقش برجسته‌ها و دیگر اجزای کاخ‌های آن، بازگشایی دریاچه هخامنشی مسدود شده بر روی آبراهه حیاط خاوری کاخ آپادانا، بازگشایی دریاچه هخامنشی مسدود شده بر روی آبراهه حیاط شمالی کاخ هدیش، اشاره کرد که این دستاورد اهمیت بسزایی برای این مجموعه جهانی و جهانیان به شمار می‌رود.

سرپرست کاوش آبراهه‌های تخت جمشید در رابطه با پایان فصل چهارم کاوش، مطرح کرد: این فصل در حالی به پایان رسید که نتایج ارزنده‌ای را برای این مجموعه جهانی در بر داشت که مهمترین نتایج حاصل از انجام این کاوش به بازگشایی بیش از ۴۰ متر از مسیر جنوب آبراهه خاوری دروازه ناتمام، شناسایی بقایای ۹ اسکلت انسانی و ۱ اسکلت حیوانی در بخش جنوبی آبراهه خاوری دروازه ناتمام، شناسایی یک چهره انسانی تراشیده شده بر دیواره شرقی آبراهه خاوری دروازه ناتمام، آشکارسازی



شیرازی با اشاره به اینکه: مطالعات صورت گرفته در تخت جمشید از دهه ۳۰ میلادی آغاز شد و تاکنون بسیاری از جنبه‌های معماری هنر باستان شناسی در تخت گاه تخت جمشید انجام شده است گفت: واقعیت این است که بسیاری از اسرار تخت جمشید هنوز ناشناخته است که یکی از این موارد مربوط به آبراهه هاست که اکنون مطالعات بر روی آنها متمرکز شده است. وی با اشاره به اینکه آبراهه‌ها از چند منظر دارای اهمیت است گفت: اول اینکه در مورد آبراهه‌ها قبل از هر چیز یک نکته مرمتی وجود دارد، یعنی از ابتدا بنیانگذاران مجموعه به این فکر کرده‌اند که باید روشی را برای حفظ و نگهداری تخت جمشید طراحی کنند که یکی از اقدامات آنها احداث سیستم‌های دفع آبهای سطحی به بیرون از مجموعه بوده است.

در همین رابطه و در جریان انجام چهارمین فصل از کاوش آبراهه‌های تخت جمشید دکتر روح الله شیرازی رئیس پژوهشکده باستان شناسی و دکتر سیامک سرلک در سفری چند روزه به شیراز از تخت جمشید بازدید کردند و در جریان روند کاوش آبراهه‌های تخت جمشید قرار گرفتند. به همین مناسبت در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۲ نشست خبری با موضوع تبیین فعالیت‌های انجام شده طی ۴ فصل کاوش‌های صورت گرفته در مسیر آبراهه‌های تخت جمشید، در تختگاه پارسه و با حضور دکتر روح الله شیرازی و مدیر و کارشناسان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، در جمع خبرنگاران برگزار شد

رئیس پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی کشور گفت: در چهار فصل اکتشافی که تاکنون صورت گرفته اسرار زیادی در این حوزه آشکار شده است و آنچه در این آبراهه‌ها کشف شده نه تنها استخوان و بقایای انسانی بلکه شامل بقایای گیاهی سفال‌ها و بقایای جانوری نیز می‌شود. داده‌هایی که از درون لایه‌های باستانی بیرون آمده است حاوی مدارک و اطلاعات زیادی برای ماست.

در ابتدای این نشست دکتر روح الله شیرازی رئیس پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی کشور با بیان اینکه استان فارس یکی از استان‌های مهم در زمینه میراث فرهنگی و مطالعات باستان شناسی کشور است گفت: فارس چند محوطه از اصلی‌ترین و مهمترین محوطه‌های باستان شناسی و شاخص کشور رادر خود جای داده است. وی از میراث جهانی پارسه یا پرسپولیس و مجموعه پاسارگاد شامل بنای آرامگاه و مجموعه باغ‌های شاهی بعنوان دو محوطه شاخص استان فارس نام برد.

که بررسی های ژئوفیزیکی روی آن انجام شده و کارگاه های ساخت تزیینات تخت جمشید در آنجا کشف شده است. قبل از داریوش، کوروش و کمبوجیه در مجموعه فیروزی بناهای بزرگی را به وجود می آورند. در دشتی که در تمام دوران کهن آسمش دشت "انشان" بوده است و در حقیقت تخت جمشید در جهت مسیر شهر انشان که در فاصله ۵۰ کیلومتری تخت جمشید قرار دارد تنظیم شده است. شهری که در میان فارس قرار دارد و ۲۰۰ هکتار وسعت دارد و بخشی از دولت ایلامی بوده است. امروز می دانیم که شهر پارسه را داریوش به وجود نیاورده است بلکه کوروش و کمبوجیه بنیانگذار تخت جمشید بودند به همین دلیل کشفیات جدید باستان شناسی اهمیت پیدا می کند. دروازه ایشتر که مثل دروازه بابل باستان است اکنون توسط بنیاد تخت جمشید و پژوهشگاه باستان شناسی و دانشگاه شیراز و با کمک دانشگاه بولونیا در حال مطالعه است و اکنون همه مراحل حفاظتی انجام شده که امیدواریم تا یک سال آینده به عنوان سایت موزه بازگشایی شود.

در ادامه این نشست علی اسدی عضو هیئت علمی دانشگاه هنر شیراز و سرپرست فصل چهارم کاوش آبراهه های تخت جمشید بیان کرد: کاری که ما امروز در راستای حفاظت و نگهداری تخت جمشید انجام می دهیم کاری است که در دوران هخامنشی نیز دارای اهمیت فراوانی بوده است. آبراهه ها و معماری آن یک حلقه در تاریخ معماری ایران است که از تاریخ ایران قبل از هخامنشی آغاز و بعد از هخامنشی هم ادامه دارد.

وی گفت: ما علاوه بر دفع آبهای سطحی در حال تحقیق برای مشخص کردن کارکرد های دیگر آبراهه ها نیز هستیم. کاوش ها در ابتدا بیشتر جنبه حفاظتی داشت و هدف ما دفع آبهای سطحی در تخت جمشید بود که در کاوش های فصل یکم به نتیجه رسیدیم. علاوه بر آن شیب بندی فضاهای کاخ ها را هم در جهت تخلیه بهتر آبهای سطحی انجام دادیم. در فصل دوم کاوش دستاوردهای پژوهشی نیز حاصل شد که از جمله می توان شناسایی یک خروجی جدید از سیستم آبراهه های تختگاه را نام برد. در واقع شاخه های جدیدی از آبراهه ها در حیاط کاخ تچر شناسایی شده و در فصل جاری که فصل چهارم این کاوش هاست، در منطقه شمالی تختگاه و در منطقه دروازه ناتمام به داده های استخوانی برخورد کردیم که کار تاریخ گذاری به صورت بین دانشگاهی و با کمک مراکز آزمایشگاهی معتبر انجام خواهد شد. امیدواریم جواب های قطعی در زمینه پرسش هایی که اکنون در مورد این کشفیات وجود دارد را با مشخص شدن نتایج تحقیقات آزمایشگاهی پاسخ دهیم. این نتایج آزمایشگاهی است که به داده های حاصل از کاوش جان می دهد.

در ادامه دکتر فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با بیان اینکه: بخش مهمی از مهندسی ما در دوره هخامنشی مربوط به سازه های آبی شامل سد ها، پل و بندها ست که گاهی شاهد ترکیب آنها با هم نیز هستیم به وجود ساختارهایی مثل بند پل ها یا سدهای تنظیمی و بندهایی با کارکرد ایجاد دریاچه پشت سد اشاره کرد و افزود: سازه های هخامنشی در دشت پاسارگاد وجود دارد که بخشی از زیرساخت های مهندسی است که بیش از پایه گذاری این شهر طراحی و اجرا شده است تا هم آب شرب و هم کشاورزی را امکان پذیر کند. پروژه های که می تواند یکی از پروژه های بزرگ میراث فرهنگی باشد. سد بستان خانی در دشت پاسارگاد یکی از این شاهکار هایست که متأسفانه به دلیل مسائل واهی مثل گنج یابی، آسیب زیادی دیده است اگرچه همین آسیب ها باعث ایجاد ظرفیتی برای بحث کاوش و معرفی بهترین سازه شده زیرا لایه ای در این سازه بریده شده است که وجود این برش ها امکان مطالعات را ایجاد کرده است. برای مطالعه سد بستان خانی یک پروژه مشترک با همکاری بنیاد پارسه پاسارگاد و پژوهشگاه باستان شناسی به مرحله اخذ مجوز کاوش رسیده است که در فصل های آینده سد بستان خانی که خود از شاخص های معیار در معماری و مهندسی آب در دوره هخامنشی است را بررسی خواهیم کرد. علاوه بر آن در دشت مرودشت نیز شاهد بناهایی مثل بند امیر هستیم که احتمال می دهیم لایه های قدیمی تری را در خود داشته باشد این بنا در دوره طولانی مورد استفاده بوده است که می تواند یک مقصد گردشگری باشد که باید برای بحث گردشگری تعریف و مورد استفاده قرار گیرد.

علیرضا عسکری چاوردی عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز و سرپرست کاوش شهر پارسه نیز در این نشست گفت: تخت جمشید باعث وحدت ملی ایرانیان شده است و این محدود به قرن اخیر نیست و در عصر اسلامی این کارکرد وجود داشته است. تخت جمشید هویتی را برای ما ایرانیان شکل داده که ما را از سایر کشورها متمایز می کند. ایران در خارج از مرزها با پشتوانه تاریخی و فرهنگی اش با جهان غرب صحبت می کند و ما قبل از اسلام نیز ۸۵۰ سال با رومی ها می جنگیدیم و در برابر هلنیزم اسکندر مبارزه کردیم و این یک دفاع فرهنگی بود است. امروزه هم چالش های فرهنگی است که خود را به شکل مشکلات گوناگون نمایان می کند و گرنه در مورد تکنولوژیک مشکلی وجود ندارد.

تخت جمشید نشان تحولی است که در جهان هزاره اول قبل از میلاد به وجود می آید و تخت جمشید نتیجه ی آن است. با تخت جمشید باید به عنوان یک پایتخت سمبولیک یک برخورد فرهنگی داشت. در بابل و زمانی که توسط کوروش فتح می شود دروازه ای به نام ایشتر وجود دارد که این دروازه در مجموعه فیروزی شهر پارسه نیز کشف شده است که یک محوطه ۶۰۰ هکتاری است که در آنجا ۱۶ بنای هخامنشی نیز کشف شده است. شهر پارسه در حریم درجه یک تخت جمشید قرار دارد

واحد زاگرس فارس است. این شهرستان از شمال با شهرستان‌های آواده و اقلید، از غرب با شهرستان سپیدان، از جنوب با شهرستان شیراز و از شرق با شهرستان‌های آواده، طشک و نی‌ریز هم‌جوار است (تاجگردون، ۱۳۷۵: ۴).

روش کار

جهت شناسایی آثار از دو روش بررسی پیمایشی و مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شد که پس از شناسایی آثار، تمامی اطلاعات آنها در قالب تهیه عکس، تهیه کروکی اثر، تهیه گزارش، مکان‌یابی اثر و برداشت پلان و جانمایی بر روی نقشه توپوگرافی انجام شد. در همین باره واحد پایش و مستندنگاری مجموعه میراث جهانی تخت جمشید با استفاده از فناوریهای رایج در فتوگرامتری، اقدام به مستندسازی و مستندنگاری و بررسی و تهیه نقشه باستانشناسی دشت مرو دشت کرده است که در انجام آن از ابزارهای نوین فتوگرامتری همچون پهپاد (کوادکوپتر) و اسکن لیزر استفاده شده است. با پیشرفت روزافزون علوم در عرصه فتوگرامتری برد کوتاه و دوربینهای عکاسی پیشرفته کیفیت تصاویر و نوع داده براساس دقت پیکسل تصویر مشخص می‌گردد که مشخصاً در این باره میزان دقت مستندنگاری‌های مربوطه زیر ۳ سانتیمتر است. خروجی حاصل از ابزار فوق شامل عکس به صورت عمودی و با زاویه دلخواه از محوطه‌ها یا بنا، فیلم به صورت نگاه نزدیک و مستند و اطلاعات مختصاتی محل اعم از X و Y و Z بوده است.

یافته‌های بررسی

در طی سه فصل بررسی، تعداد ۶۵۰ محوطه در دشت میانکوهی این حوزه واقع در حرایم سه گانه مجموعه جهانی تخت جمشید و قسمت باختری شهرستان مرو دشت شناسایی شد. در این بررسی، اطلاعات مربوط به محوطه‌های فاقد ثبت آماده‌سازی شده که به همراه گزارش مربوطه در فرآیند ثبت ملی قرار خواهند گرفت. همچنین در بررسی‌های مذکور تعدادی از محوطه‌هایی که پیش از این مورد شناسایی قرار گرفته و در گزارشات اشخاص و یا هیأت‌های باستان‌شناسی قبلی ذکر گردیده بود (Sumner, ۱۹۷۲; Vanden Berghe, ۱۹۵۲; علیزاده، ۱۳۷۶؛ امیری، ۱۳۸۴؛ اسدی، ۱۳۹۶؛ بارانی، ۱۳۹۳) مجدداً با انجام بررسی پیمایشی، وضعیت محوطه مورد بازنگری قرار گرفته است. بیشترین آثار شناسایی شده منطقه شامل تپه‌ها و محوطه‌های باستانی، غار و پناهگاه‌های صخره‌ای، گورستان‌های تاریخی، معادن، نقوش صخره‌ای، بناها، پل بندها و آسیاب‌های قدیمی است (جدول شماره ۱).

بررسی و شناسایی به منظور تهیه نقشه باستانشناسی دشت مرو دشت

وحید بارانی و با همکاری علی احمدی، علی اکبر صادقی، فضل اله حبیبی، شهرزاد زارعی، وحید یونسی، پگاه منوچهری، محمد کیانی، مهدی خیرمند

پیش درآمد

فارس یکی از مهمترین استانهای ایران از لحاظ مطالعات باستانشناسی است و توالی گاه‌نگاری تاریخی منطقه، دوره پارینه سنگی میانه تا دوران اسلامی را دربر می‌گیرد. فراوانی نسبی آب‌رودهای دائمی و فصلی و همچنین وجود خاک حاصلخیز از دلایل مهم سکنی‌گزینی در این منطقه بوده است. رودهای کر و سیوند از رودهای مهم منطقه و استان به شمار می‌روند که از جمله عوامل بنیادین در شکل‌گیری استقرارگاههای مختلف در این حوضه است (زیدی، ۱۳۸۳: ۲۵). هدف از پژوهش و تحقیق حاضر، بررسی و شناسایی محوطه‌های تاریخی، شناخت توالی گاه‌نگاری منطقه مرو دشت و در نتیجه تهیه نقشه باستانشناسی این ناحیه و حوزه رودخانه کر و پلوار در استان فارس به عنوان یکی از مهمترین کانونهای اصلی انجام پژوهشها و مطالعات باستانشناسی است. بررسی و تهیه نقشه باستانشناسی دشت مرو دشت با مجوز پژوهشکده باستانشناسی طی سه فصل در سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ انجام شد. با توجه به اهمیت جلگه مرو دشت از لحاظ مطالعات باستانشناسی، این بررسی با رویکردی متفاوت از اقدامات پیشین، سعی بر آن دارد تا با تهیه نقشه‌ها و کاربردهای GIS در تحلیل الگوهای استقراری و پراکنندگی محوطه‌ها در توالی و گاه‌نگاری این دشت میانکوهی در مطالعات باستانشناسی کمکی شایان نماید و شناختی بهتر را از محوطه‌ها و بناهای واقع در دشت مذکور ارائه کند.

موقعیت جغرافیایی

شهرستان مرو دشت دشتی آبرفتی و هموار بوده که از سمت شمال، غرب و جنوب به واحدهای کوهستانی محدود می‌شود. همان‌گونه که گذشت، رشته‌کوه‌های زاگرس در واحد فارس و بالطبع در شهرستان مرو دشت نیز از دو ساختار زمین‌شناسی متمایز تشکیل شده است. رشته‌کوه‌های موازی باهم با جهت شمال غربی- جنوب شرقی و دارای دشت‌ها و دره‌های باز میان کوهی بوده که از مهم‌ترین کوه‌های این شهرستان رشته‌کوه رحمت است. طول این رشته ۴۱ کیلومتر و عرض آن بین ۵ تا ۸ کیلومتر متغیر و جهت آن مطابق با چین‌های

نتیجه گیری

منابع:

فارسی

۱. امیری، مصیب (۱۳۸۴). آثار پیش از تاریخ جلگه مرودشت از آغاز تا هزاره چهارم ق. م، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
۲. بارانی، وحید (۱۳۹۳). گزارش بررسی و بازنگری محوطه های شغا و تیموران حوزه رودخانه کر، کتابخانه پژوهشکده باستانشناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).
۳. تاجگردون، غلامرضا (۱۳۷۵). سیمای فارس، شهرستان مرودشت، تهیه شده در سازمان برنامه و بودجه استان فارس، شماره نشریه ۷۵-۱۳.
۴. زیدی، محسن (۱۳۸۳). الگوی پراکندگی و نوسانهای جمعیتی فرهنگهای پیش از تاریخ تا دوران اسلامی در دره های رود کر، شمال غرب فارس، پایاننامه کارشناسی ارشد گروه باستانشناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
۵. علیزاده، عباس (۱۳۷۶). گزارش توصیفی مقدماتی بررسیهای باستانشناسی انسانشناسی در دره های رود کر و ناحیه شمال غربی مرودشت، فارس در گزارشهای باستان شناسی. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور: پژوهشکده باستانشناسی.

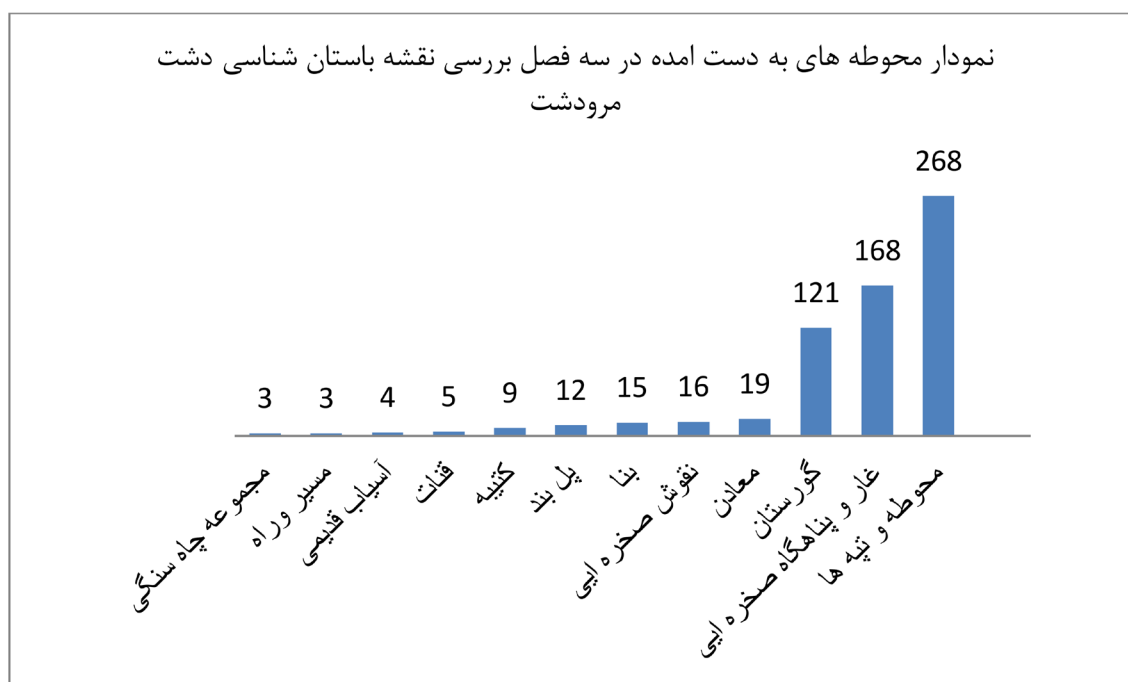
غیرفارسی

1. Sumner, W. M. (1972). Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: An Archaeological Analysis of Settlement Patterns. Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania.
2. Vanden Berghe, L. (1952). Archaeologische Opzoekingen in De Marv Dasht Vlake (Iran). Jaarbericht Ex Oriente Luxe 12: 211-220.

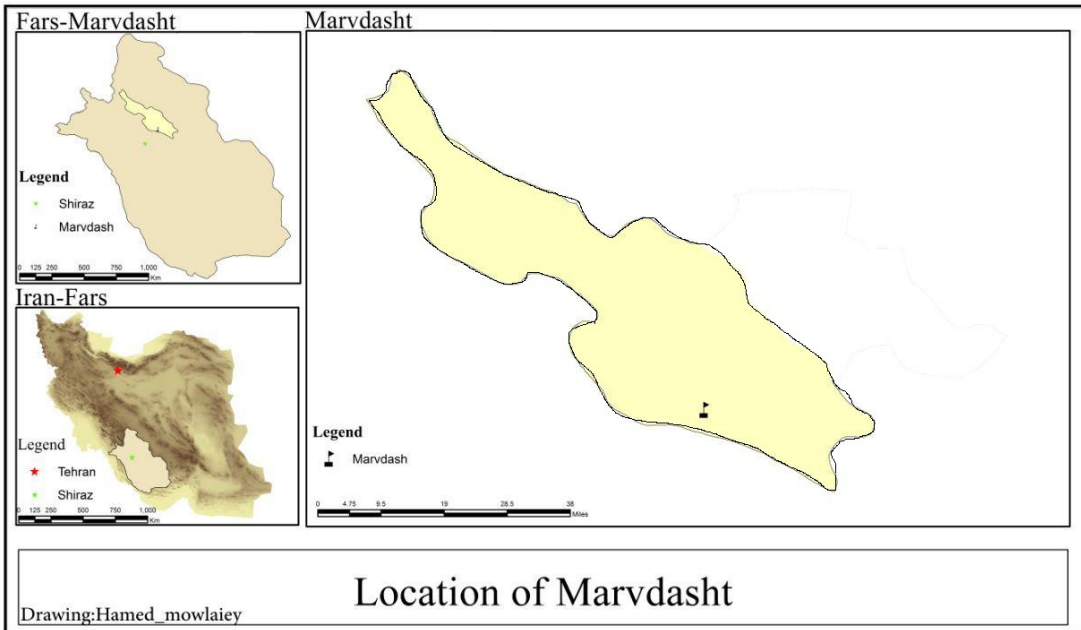
تهیه نقشه باستانشناسی شهرستان مرودشت از مهمترین برنامه های پژوهشی گروه باستانشناسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید به شمار می رود که منجر به شناسایی بسیاری از محوطه های تاریخی در دشت مرودشت و حوزه رودخانه کر شده است. از آنجا که منطقه مورد بررسی به تنهایی توالی کاملی از گاهنگاری منطقه فارس را ارائه می دهد لذا این پژوهش از اهمیت فراوانی برخوردار است. محدوده بررسی در سه فصل با توجه به اهمیت عرصه و حریم محوطه میراث جهانی تخت جمشید، حرائم سه گانه را در برگرفته است. در مجموع ۶۵۰ اثر شناسایی شد که بیشترین یافته ها شامل تپه ها و محوطه ها بوده و پراکندگی آنها نیز در نزدیکی رودخانه پلوار و کر و در بخش باختری و جنوبی و دشت میان کوهی این حوزه واقع شده است. شایان ذکر است که این پراکنش بیشتر متعلق به تپه ها و محوطه های باستانی است که در دشت میان کوهی شناسایی شده و توالی را از دوران نوسنگی (پیش از تاریخ تا دوران اسلامی) شامل می شود. بیشترین استقرارهای متعلق به دوران هخامنشی و فراهخامنشی در دامنه ها و حوالی کوه مهر (رحمت) بوده که در برگیرنده بیشترین گورهای متعلق به دوران مذکور است. شواهد تدفینی مذکور از لحاظ نوع و شکل آنها شامل گوردخمه ها، استودانها، دخمک ها و نیز گورهای توده سنگی هستند. شواهد تدفینی متعلق به دوران اسلامی نیز قبور دوران اسلامی را در بر می گیرند که محدوده زمانی عصر صفویه تا دوران معاصر را شامل می شوند. دیگر آثار مورد بررسی شامل معادن سنگ دوران هخامنشی در کوه رحمت، بخش جنوبی کوه حسین و معادن سنگ کوه سیوند (تنگ خشک)، و معادن سنگ مجد آباد و گلدشت و نیز پل بندهای دوران ساسانی و اسلامی بر بستر رودخانه پلوار در بخش شمالی و باختری شهر استخر و چاههای سنگی کوه رحمت، غارها و پناهگاه های صخره های هستند. امید است با توسعه بررسی های باستان شناسی در فصل های آتی و در خارج از حرایم تخت جمشید بتوان به تصویر کامل تری از توالی گاه نگاری فارس دست یافت و تحلیل جامع تری از الگوهای استقراری منطقه را ارائه نمود.

ردیف	نوع اثر	تعداد کلی	تعداد فصل اول	تعداد فصل دوم	تعداد فصل سوم	توضیحات
۱	محوطه و تپه ها	۲۶۸	۷۹	۷۰	۱۱۹	پراکندگی در تمام دشت
۲	غار و پناهگاه صخره ای	۱۶۸	۲۹	۶۷	۷۲	پراکندگی در دامنه کوه رحمت ، حسین، کوه مجد آباد ، کوه ایوب و گلدشت علیا
۳	گورستان	۱۲۱	۵۶	۳۳	۳۲	پراکندگی در کوه رحمت و بیشترین در کوه حسین، کوه مجد آباد ، کوه ایوب و همجوار با روستا ها
۴	معادن	۱۹	۱۶	-	۳	پراکندگی در کوه سیوند، رحمت ، حسی ن، مجد آباد و گلدشت علیا
۵	نقوش صخره ایی	۱۶	۱	۱	۱۴	بیشترین پراکندگی در دامنه غربی کوه ایوب
۶	بنا	۱۵	۱۲	۳	-	پراکندگی در تمام دشت
۷	پل بند	۱۲	۵	-	۷	در مسیر رودخانه سیوند، کر
۸	کتیبه	۹	۳	۳	۳	در دامنه کوه حسین و رحمت
۹	قنات	۵	۱	۲	۲	در دامنه کوه حسین و کوه ایوب
۱۰	آسیاب قدیمی	۴	۳	۱	-	در مسیر رودخانه سیوند،
۱۱	مسیر و راه	۳	۱	-	۲	سیوند و کوه رحمت
۱۲	مجموعه چاه سنگی	۳	۲	۱	-	دامنه کوه رحمت و حسین
۱۳	هاون سنگی	۲	۱	۱	-	در کوه سیوند

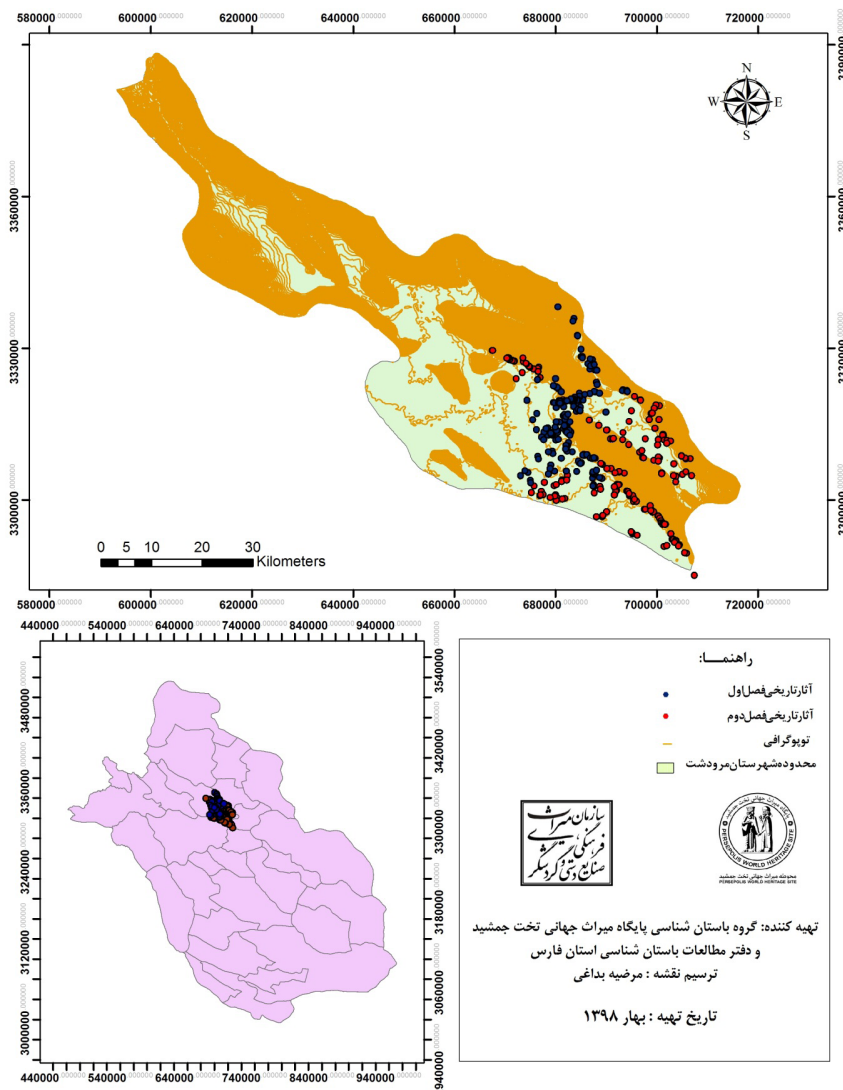
جدول ۱. تعداد محوطه های بررسی شده طی سه فصل بررسی و تهیه نقشه باستان شناسی شهرستان مرو دشت



نمودار ۱- درصد آثار شناسایی شده در سه فصل بررسی و شناسایی به منظور تهیه نقشه باستانشناسی شهرستان مرو دشت



نقشه کلی ایران وموقعیت شهرستان مروودشت



نقشه توپوگرافی شهرستان مروودشت و موقعیت محوطه ها در فصل اول و دوم



بنای تخت گوهر



نمونه ای از گورهای کتیبه دار درکوه حسین



نمونه ای از معدن های هخامنشی همجوار با تخت جمشید در کوه رحمت



تصویر از نمونه مستند نگاری تپه با کمک پهباد



مرحله نخست فعالیت های میدانی پروژه ساماندهی کالبدی و اطلاعاتی بقایای پارچه های کربونیزه تخت جمشید با جداسازی ۲۱۹ قطعه از بقایای پارچه های کربونیزه شده به دست آمده از اولین کاوش های علمی باستان شناسی انجام گرفته در تخت جمشید به پایان رسید.

وی گفت: همچنین به دلیل حجم زیاد نمونه های پارچه ای کربونیزه شده که احتمالاً از جمله شاخص ترین شواهد فیزیکی از آتش سوزی احتمالی در تخت جمشید است، شاید بتوان فرضیه تخریب در اثر آتش سوزی این محوطه را مجدد مورد بازنگری و مطالعه قرار داد.

هدف طرح؛ انجام اقدامات حفاظتی ثانویه است

شهرزاد امین شیرازی، عضو هیئت علمی پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی نیز مطرح کرد: آثار مدنظر این پروژه قطعات کوچک و متنوعی از پارچه های زغال شده هستند که به نظر می رسد حاصل کاوش های اولیه تخت جمشید باشند و این قطعات کربونیزه شده، سالهای متمادی به صورت یک مجموعه و در جعبه ای در مخزن موزه تخت جمشید نگهداری می شدند.

امین شیرازی ادامه داد: اولین بار در سال ۱۳۹۵ توجه ما به این موضوع جلب شد، که علاوه بر نمونه پارچه زغالی شده که در موزه تخت جمشید در معرض نمایش گذاشته شده است، مقادیر بیشتری از بقایای پارچه ای و کربونیزه شده نیز در جعبه ای به صورت یک جا در مخزن موزه نگهداری می شوند.

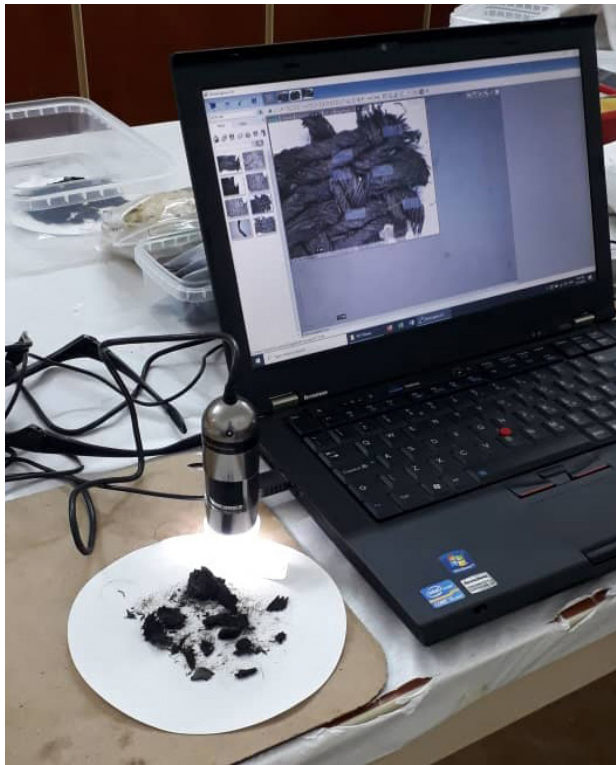
مجری این طرح بیان کرد: از همان زمان بررسی اولیه برای شناخت ماهیت بقایای زغالی پارچه های باستان شناسی و تاریخچه این مجموعه منحصر به فرد آغاز شد تا اینکه در سال ۱۳۹۸، پروژه حاضر به صورت مشترک برای اجرا بین پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی و پایگاه میراث جهانی پاسارگاد تعریف شد.

وی هدف پروژه حاضر را تفکیک و هویت بخشی به قطعات مختلف و آماده سازی آنها برای مطالعات بیشتر و

این پروژه به عنوان یکی از فعالیت های مشترک پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی و پایگاه میراث جهانی پاسارگاد انجام شد

حمید فدایی در این راستا مطرح کرد: بقایای پارچه ای کربونیزه شده کشف شده از محوطه میراث جهانی تخت جمشید که در کاوش های موسسه شرق شناسی دانشگاه شییکاگو طی کاوش سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۸ خورشیدی به دست آمده از چند منظر حائز اهمیت است. وی افزود: نخست اینکه دانسته های ما در زمینه بافت و نساجی از دوره هخامنشیان تا حدودی اندک و بیشتر مبتنی بر شواهدی است که در نقوش برجسته تخت جمشید تصویر شده است، بنابراین به ویژه مطالعه بقایای پارچه ای به دست آمده از تخت جمشید می تواند دانش ما را در نوع پوشش های خاص، فاخر و اشرافی این دوره که در برخی از منابع مورد اشاره بوده است، اضافه نماید.

فدایی بیان کرد: اهمیت بقایای پارچه ای و تنوع آن ها، ظرفیت انجام مطالعات جامع تر با همکاری سایر موسسات داخلی و حتی بین المللی را یادآور می شود که تلاش می کنیم با توجه به خاص بودن پروژه در این زمینه از همکاری یونسکو نیز بهره مند شویم.



انجام اقدامات حفاظتی بعدی دانست و گفت: از آن جا که این پارچه‌ها همگی تحت عنوان کلی پرده سوخته تخت جمشید و با یک شماره کلی در طبقه‌بندی آثار مطالعاتی ثبت شده‌اند، در بازدید اولیه دیدن قطعاتی متفاوت از یکدیگر در این مجموعه توجه ما را جلب کرد.

امین شیرازی خاطرنشان ساخت: بعد از بررسی اولیه این مجموعه متوجه شدیم که بقایای نگهداری شده در جعبه، تنوعی از پارچه‌های مختلف را در برمی‌گیرند که ضروری است پیش از هر اقدامی به شناسایی انواع مختلف پارچه‌ها و طبقه‌بندی آنها پرداخته شود.

وی گفت: پارچه‌ها به دلیل ماهیت و منشاء آلی، از جمله آسیب‌پذیرترین آثار به شمار رفته و به همین دلیل در میان یافته‌های به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی به نسبت سایر اشیاء بسیار کمیاب و محدودترند. وی افزود: در این مرحله این قطعات از مجموعه‌ای که به صورت درهم و تفکیک نشده در یک جعبه نگهداری می‌شد، جدا و پس از ثبت مشخصات فیزیکی (توزین و اندازه‌گیری ابعاد) به صورت کامل تصویر برداری شده و به لحاظ خصوصیات تکنیکی و مشخصات فنی بافت طبقه‌بندی شدند.

امین شیرازی، هدف از اجرای این اقدامات را نه تنها تفکیک و جداسازی قطعات، بلکه درک و شناخت بهتر ماهیت قطعات و تنوع بقایا دانست که می‌تواند نشان‌دهنده انواع مختلفی از بافته‌های به کار رفته در تخت جمشید و سطح تکامل هنر نساجی دوران هخامنشی باشند.

به گفته او کوچکترین قطعه در بین قطعات جداسازی شده در این مرحله تکه پارچه‌ای با ابعاد ۱ در ۲ سانتیمتر و بزرگترین قطعه ۶ در ۱۰ سانتیمتر است و از آنجا که این پارچه‌ها بعضاً چند لایه و تا خورده هستند، وزن، یکی دیگر از شاخصه‌های مهم در شناسایی آنها به شمار رفته که بیشترین وزن ۹/۱۶ گرم و کمترین وزن ثبت شده ۰/۰۷ گرم بوده است.

امین شیرازی با بیان اینکه به لحاظ بافت، مجموعه دارای قطعاتی با بافت‌های متفاوت و متنوع است، خاطرنشان کرد که بیشترین نمونه‌های جداسازی شده قطعاتی با بافت پرزدار هستند.

عضو هیئت علمی پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی گفت: در اثنای جداسازی، برخی قطعات با جنسیت‌های متفاوت (از قبیل چوب، شیشه، فلز و توده فلزی ذوب شده) نیز در بین قطعات دیده شد. در این مرحله قطعات به دست آمده حدود ۷ نوع بافت متفاوت را به نمایش گذاشته‌اند که با پیشرفت پروژه احتمال می‌رود تا انواع دیگری از بافت نیز در بین این قطعات دیده شود.

وی تصریح کرد: تمامی قطعات در این مرحله بر اساس ملاحظات حفاظتی به صورت جداگانه و تک به تک در بسته‌بندی‌های پلی اتیلنی روی بستری از فوم پلی اتیلن و روکش تایوک قرار گرفته و برای مشخص‌سازی هر قطعه به صورت جداگانه شماره‌گذاری شد.

او خاطرنشان کرد: در مرحله بعد، علاوه بر ادامه کار جداسازی قطعات باقی مانده، مطالعات بیشتری برای شناسایی نوع الیاف و مواد به کار رفته شده در ساختار قطعات، کشف ارتباط احتمالی بین قطعات و همچنین سایر اطلاعات احتمالی قابل استخراج انجام خواهد گرفت. امین شیرازی پیش‌بینی کرد: در مجموع تعداد قطعات این مجموعه حدود ۲ تا ۳ برابر قطعات تفکیک شده در این مرحله باشد که همین امر با فراهم ساختن جامعه آماری درخور توجه می‌تواند اهمیت مطالعاتی و تحقیقاتی این مجموعه را دوچندان کند، از این رو در یک تلاش مشترک در پی تعریف یک پروژه مطالعاتی ملی برای تامین منابع جهت انجام تحقیقات بیشتر روی این مجموعه هستیم.

عضو هیئت علمی پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی با بیان اینکه فرآیند کربونیزه شدن زمانی اتفاق می‌افتد که اجسام بدون تماس مستقیم با شعله و سوختن، در یک فضای بسته و تحت دمای بالا قرار گیرند گفت: در این شرایط ساختار شیمیایی مواد دستخوش تغییر شده و اشیاء بدون آنکه خاکستر شوند به ذغال تبدیل می‌شوند.

وی خاطرنشان کرد: در این شرایط تقریباً خصوصیات ظاهری اشیاء حفظ شده و اطلاعات مهمی را می‌تواند در اختیار محققین قرار دهد.

امین شیرازی افزود: ساختار ذغالی شده این قطعات اگرچه باعث پایداری و ثبات آنها در برابر تغییرات شیمیایی می‌شود، اما به شدت در برابر نیروهای مکانیکی و فشار، آنها را آسیب‌پذیر می‌سازد، این امر باعث شده تا روند کار تفکیک با ملاحظه و به‌کارگیری تمهیدات ویژه زمان‌بر بوده و جهت نگهداری این مجموعه نیاز به استفاده از شرایط انبارداری و بسته‌بندی ویژه باشد.

شروع مستند سازی آثار مکتوب تخت جمشید و نقش رستم

پژوهش‌های مرتبط با تخت جمشید و نقش رستم، این آثار مکتوب در کانون توجهات پژوهشگران قرار داشته و آثار بسیاری در این رابطه منتشر شده است، با این حال با توجه به ادامه پروژه‌های کاوش و مرمت و همچنین پیشرفت علوم مرتبط با کتیبه‌شناسی و زبان‌شناسی لازم است که در بازه‌های زمانی منظم شواهد مکتوب در این محوطه‌ها بازبینی شوند و در صورت نیاز به شکل کلی و جزئی مورد پژوهش دقیق قرار گیرند.

این کارشناس زبان شناسی تاریخی، اضافه کرد: در همین راستا از مهمترین پروژه‌های در دست پیگیری و اجرا در مجموعه میراث جهانی تخت جمشید پروژه جامع مستند سازی از تمامی آثار مکتوب موجود در تخت جمشید و نقش رستم (از هخامنشی تا دوران معاصر) خواهد بود و در ادامه مسئله پیوند کتیبه‌شناسی با حوزه مرمت و باستان شناسی و حتی گردشگری در این محوطه‌ها پیگیری خواهد شد.

اولاد حسین، به دیگر برنامه‌های آتی این پایگاه اشاره و اضافه کرد: از دیگر برنامه‌های مصوب مجموعه تهیه بروشور راهنمای دو زبانه از کتیبه‌های واقع در صفا تخت جمشید برای گردشگران داخلی و خارجی است.

او ادامه داد: برنامه مصوب دیگر جانمایی کتیبه‌های یافت شده در آپادانا و خزانه تخت جمشید و همچنین الواح مکشوفه از باروی تخت جمشید و تهیه تابلوهای راهنمای مرتبط با این اکتشافات، جهت نصب و معرفی این اماکن به گردشگران است که این اقدام در نوع خود بی‌سابقه است.

اولادحسین گفت: با برنامه زمانبندی از پیش تنظیم شده مرحله مقدماتی جمع آوری و تدوین داده‌های لازم برای اجرای این طرح جامع آغاز شده است.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، از شروع مستندسازی آثار مکتوب تخت جمشید و نقش رستم به عنوان دو اثر بسیار ارزشمند تاریخی جهان، خبر داد. حمید فدایی پنجشنبه دوم مرداد ماه ۱۳۹۶ به خبرنگاران گفت: تخت جمشید، نقش رستم و محوطه‌های اطراف آن از مهم‌ترین مناطق متعلق به دوران هخامنشی (همچنین پیشاهخامنشی و پسا هخامنشی) به‌شمار می‌آیند که اهمیت این مناطق، تنها محدود به وجود آثار باستانی از قبیل کاخ‌ها، سازه‌ها و آرامگاه‌ها نمی‌شود، بلکه این مناطق از نقطه نظر مطالعات کتیبه‌شناسی و زبان‌شناسی نیز منحصر بفرد است.

فدایی بیان کرد: یکی از ویژگی‌های این مناطق، بهره بردن از دهه‌ها کاوش باستان‌شناختی است که باعث شده بخش عمده‌ای از کشفیات مرتبط با کتیبه‌شناسی در این محوطه‌ها انجام شود و به همراه اطلاعات باستان‌شناختی ارزشمند به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا با شواهد بیشتر به پژوهش در این حوزه پردازند.

مدیر داخلی و کارشناس زبان شناسی تاریخی مجموعه جهانی تخت جمشید نیز در این خصوص گفت: یکی از اولویت‌های کاری و پژوهشی در این محوطه‌ها در کنار مطالعات باستان‌شناسی، حفاظتی و مرمتی، کار مداوم بر روی مواد نوشتاری مرتبط با دوران هخامنشی و پسا هخامنشی تا دوره اسلامی و معاصر است.

محمدجواد اولادحسین مدیر داخلی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز افزود: با اینکه از نخستین مراحل

وسعت جنگل‌های بوستان پردیس تخت جمشید، با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در این پایگاه، اجرای طرح لوله‌کشی و نصب تعدادی مخازن ثابت در پنج نقطه از محوطه جنگل که احتمال حریق وجود داشت، صورت پذیرفت.

فدایی افزود: محل قرارگیری این مخازن طوری طراحی و اجرا شده است که در صورت بروز آتش‌سوزی، با توجه به تجهیزات متصل شونده به این مخازن نیز تا شعاع ۲۰۰ متری از محل نصب هر مخزن، نسبت به کنترل حریق تحت پوشش قرار خواهد گرفت.

مسئول دفتر فنی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز در این راستا بیان کرد: آغاز اقدامات اجرایی در زمینه مسائل مربوط به ایمنی و خدمات‌رسانی نسبت به پیگیری و همچنین کنترل آتش‌سوزی در مواقع اضطراری مطابق با دستورالعمل ستاد مدیریت بحران کشور و تدابیر و تصمیمات مدیریت این پایگاه جهانی از دی‌ماه سال ۱۳۹۸ آغاز شد.

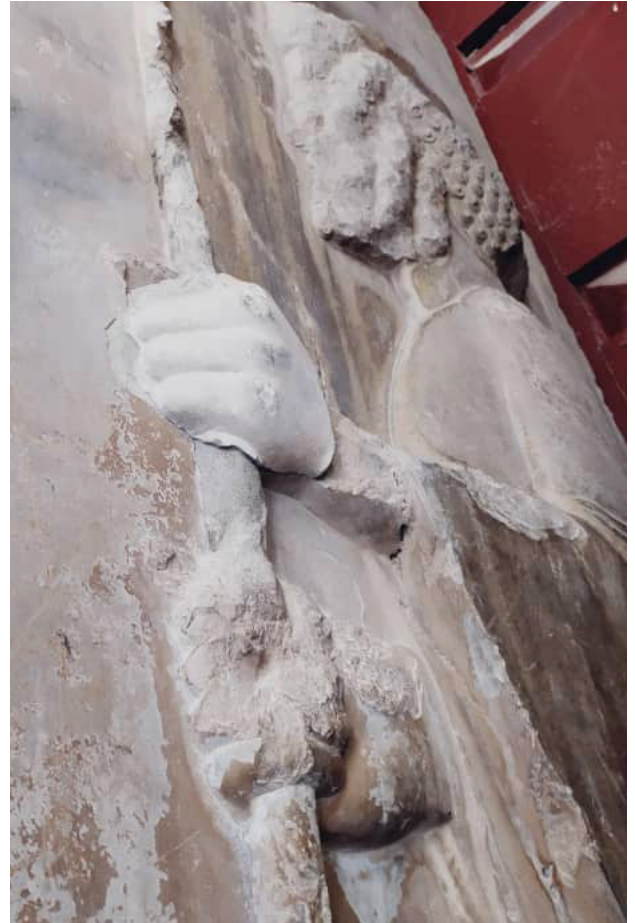
سجاد طهماسبی گفت: مخازن ثابت نصب‌شده در جهت تأمین اهداف مدنظر نیز توسط مخازن سیار در مواقع لزوم، پشتیبانی خواهد شد که این مهم از اقدامات لازم مربوط به موضوع مدیریت بحران محسوب می‌شود.



نصب مخازن ثابت آب در بوستان پردیس

بارندگی فراوان در سال‌های اخیر در رشد پوشش گیاهی محوطه‌های تاریخی تخت جمشید به ویژه علف‌ها تأثیر قابل توجهی داشته است و با خشک شدن آن‌ها احتمال آتش‌سوزی تقویت می‌شود. به همین سبب لازم است قبل از ایجاد هرگونه حادثه به هر دلیل، جلوگیری، پیشگیری و اقدامات مدیرانه انجام شود.

حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در این راستا به خبرنگار فارس گفت: با توجه به



حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در این راستا مطرح کرد: طی روزهای گذشته با فراهم آوردن امکان حفاظت بهتر از این نقش برجسته، از طریق طراحی و نصب حفاظ شیشه ای در مقابل جداره های تاریخی درگاه مذکور، امکان نصب مجدد قطعه سنگی جدا شده در مکان خود فراهم گردید. فدایی افزود: این عملیات که با پاک سازی سطوح تزئینی درگاه ورودی همراه بود توسط واحد حفاظت و مرمت تخت جمشید و با همکاری و نظارت مدیریت موزه تخت جمشید به انجام رسید. وی اضافه کرد: همچنین نصب شیشه های محافظ در مقابل درگاه ورودی مذکور، شرایط حفاظت بهتر در دراز مدت را از این نقوش برجسته، تأمین خواهد کرد. کرامت بردبار، مسئول موزه مجموعه میراث جهانی تخت جمشید نیز مطرح کرد: قبل از نصب شیشه های حفاظتی در درگاه های ورودی و خروجی موزه نیز نقوش برجسته به صورت تخصصی توسط گروه حفاظت و مرمت تخت جمشید، پاکسازی گردید. بردبار افزود: موزه تخت جمشید با دارا بودن بیش از چندین هزار اشیاء از دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی که بیش از ۲۰۰ عدد از این تعداد اشیاء در معرض نمایش قرار دارد، به عنوان یکی از قدیمی ترین موزه های کشور، هر ساله مورد بازدید تعداد کثیری از گردشگران خارجی و داخلی قرار می گیرد که هم اکنون به دلیل رعایت دستورالعمل های مربوط به پروتکل بهداشتی ستاد مبارزه و پیشگیری از بیماری کرونا به طور موقت تعطیل است.

پیوند دست سرباز هخامنشی پس از گذشت چند دهه

قطعه ای از دست سرباز هخامنشی پس از گذشت چند دهه در محل اصلی خود وصالی شد.

پیکر این نیزه دار هخامنشی نقش برجسته بر دیوار درگاه کاخ ملکه که امروزه در یکی از ورودی های موزه تخت جمشید قرار دارد، از دهه چهل خورشیدی از محل خود جدا شده بود و برای سال های متمادی در گنجینه موزه نگهداری می شد.





ضرورت جانمایی مکانی بهتر برای جابجایی میدان تیر

حمید فدایی در خصوص مکان‌یابی نامناسب میدان تیراندازی و اهمیت موضوع گردشگری در بسترهای تاریخی طبیعی و ضرورت توجه جدی به آن، تشریح کرد: در این میان، مجاورت و همسایگی میدان تیر با این آثار متعدد تاریخی، می‌تواند از موانع توسعه حوزه گردشگری پایدار در این محوطه به شمار رود؛ به‌ویژه این خود می‌تواند آسیبی جدی برای مهم‌ترین سند مکتوب دوره ساسانی، یعنی کتیبه شاپور اول، منقوش بر یکی از دیوارهای غار حاجی‌آباد باشد که امید است با همکاری نیروهای خردمندی و انتظامی و سایر ارگان‌های ذربط و مسئولان محترم استانی و شهرستان مرودشت، بتوانیم هر چه سریع‌تر نسبت به جانمایی مکانی بهتر برای جابجایی میدان تیر، اقدام کنیم.

ساماندهی محوطه حاجی‌آباد و ایجاد زیرساخت‌های گردشگری لازم

وی ساماندهی و بهره‌برداری از این محوطه تاریخی را از برنامه‌های در دست اقدام دانست و مطرح کرد: در حال حاضر ساماندهی محوطه حاجی‌آباد و ایجاد زیرساخت‌های گردشگری لازم در آن، جهت منتفع شدن جامعه محلی از چنین ظرفیت تاریخی و طبیعی در برنامه‌های پایگاه قرار دارد.

فضل‌الله حبیبی، کارشناس باستان‌شناسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز در این راستا اذعان داشت: اهمیت ویژه‌ای که در دامنه کوه حاجی‌آباد معروف به کوه حسین وجود دارد، قرار گرفتن پنج اثر ثبت ملی که این آثار شامل کتیبه غار حاجی‌آباد موسوم به غار شیخ

ضرورت جابه‌جایی میدان تیر در مجاورت آثار متعدد ثبت ملی غار حاجی‌آباد مرودشت

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در خصوص مکان‌یابی نامناسب میدان تیراندازی و اهمیت موضوع گردشگری گفت: مجاورت و همسایگی میدان تیر با آثار متعدد تاریخی، می‌تواند از موانع توسعه حوزه گردشگری پایدار در این محوطه به شمار رود.

وجود آثار متعدد تاریخی به ویژه آثاری که به ثبت ملی رسیده‌اند از ضوابط و مقررات قانونی خاصی تبعیت می‌کنند که رعایت آن از اقدامات و وظایف مشخص شده هر نهاد و شهروندی محسوب می‌شود و پاسداشت آن می‌تواند به حفظ و نگهداری میراث فرهنگی و بهره‌برداری از آن در صنعت گردشگری منجر شود.

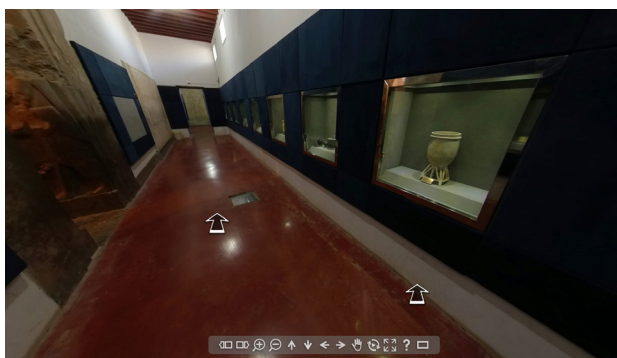
محوطه غار حاجی‌آباد به همراه آثار متعدد تاریخی که در مجاورت آن قرار دارد علاوه بر دارا بودن ظرفیت‌های مهم تاریخی، به جهت محیط و منظر منحصر به فرد طبیعی خود نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری منطقه به شمار رود.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در خصوص ارزش‌های مربوط به آثار متعدد ثبت ملی شده واقع در حریم مجموعه جهانی تخت جمشید و نقش رستم، مطرح کرد: محوطه غار حاجی‌آباد به همراه آثار متعدد تاریخی که در مجاورت آن قرار دارد علاوه بر دارا بودن ظرفیت‌های مهم تاریخی، به جهت محیط و منظر منحصر به فرد طبیعی خود نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری منطقه به شمار رود؛ به‌ویژه حضور چند پناهگاه و غار از دوران پارینه‌سنگی، ظرفیت‌های پژوهشی را در این محوطه یادآور می‌شود که لازم است در آینده در اینباره برنامه‌ریزی‌های لازم انجام پذیرد.



علی، اشکفت شاه اسماعیل، استودان‌ها و همچنین دو غار تاریخی است که هم از نظر محتوای مربوط به کتیبه‌ها و هم از نظر قدمت که به دوران پارینه سنگی میانه تا فراپارینه سنگی است، جزو آثار مهم این منطقه تاریخی محسوب می‌شود.

کتیبه‌های غار حاجی‌آباد متعلق به دوره ساسانی است و به دو خط پهلوی ساسانی-اشکانی نگارش شده و این اثر به شماره ۱۸۳ مورخ ۱۸ تیر ۱۳۱۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده که به دلیل خوانا بودن کتیبه‌ها و سایر ارزش‌های آن، جزو اولین آثاری است که مورد خوانش و ثبت ملی قرار گرفته است.



راه اندازی تور مجازی موزه تخت جمشید

پایگاه میراث جهانی تخت جمشید اقدام به برنامه ریزی راه اندازی تورهای مجازی بر بستر وب کرد. حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در این رابطه افزود: در همین ارتباط فضای مجازی گردشگری، روشی نوین با توانایی نمایش سه بعدی همزمان با اراده کاربر و ارتباط مستقیم با تاثیرگذاری زیاد است که با هزینه به مراتب کمتر وارد عمل شده است. فضای مجازی با کاربردهای بسیار همچون شبیه سازی مکان‌های گردشگری، آموزش با قابلیت اتصال به محیط واقعی و ثبت وقایع محیط به صورت همزمان در فضای مجازی و کاربردهای آدرس دهی و مکان یابی قبل از سفر و تبلیغ و فرهنگ سازی، اکنون ابزاری بسیار قدرتمند برای معرفی شده است.

فدایی راه اندازی تورهای مجازی را از بارزترین وجوه گردشگری مجازی دانست و در این باره گفت: در ماه‌های گذشته با توجه به همه گیری بیماری کرونا و لزوم فاصله گذاری های اجتماعی، موضوع گردشگری مجازی، اهمیتی دو چندان یافته و بر همین اساس پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز اقدام به برنامه ریزی راه اندازی تورهای مجازی بر بستر وب نموده است که در مرحله نخست تور مجازی موزه تخت جمشید که در طول چند ماهه گذشته به دلیل همه گیری بیماری کرونا و لزوم رعایت موازین بهداشتی و ایمنی، خارج از دسترس بازدیدکننده قرار دارد، طراحی و راه اندازی شده است.

سعید زنگنه، مجری طرح تور مجازی موزه تخت جمشید نیز نسبت به قابلیت‌های مطرح این اقدام در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری بیان کرد: از جمله ویژگی های این تور، امکان گردش در فضاهای موزه به عنوان بخشی از کاخ ملکه و دریافت اطلاعات اشیاء به نمایش در آمده آن است.

وی ادامه داد: همچنین در نظر است در مراحل بعدی، تور مجازی محوطه تختگاه و مجموعه بناها و کاخ های آن نیز به مرور تهیه و بر روی پورتال رسمی مجموعه قرار گیرد. زنگنه افزود: این تور مجازی، هم اکنون در تارنمای میراث جهانی تخت جمشید به آدرس

www.persepolis.info

در دسترس عموم کاربران علاقه مند قرار دارد.





پایان فصل سوم تهیه نقشه باستانشناسی دشت مرو دشت

در استان و همچنین جمع‌آوری داده‌های باستان‌شناسی (سفال، ابزار سنگی و...) بر روی محوطه‌ها، به منظور تکمیل بانک اطلاعاتی منطقه بود که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های اصلی پژوهش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی محسوب می‌شود.

او بر اهمیت شناخت الگوهای استقرار این دشت تأکید و خاطرنشان کرد: با توجه به پراکنش نسبتاً فراوان محوطه‌های باستانی در دشت مرو دشت، با تهیه نقشه‌های GIS و نیز پیوست این نقشه‌ها به یکدیگر، می‌توان اقدام به تهیه یک نقشه منسجم باستان‌شناسی کرد که به شناخت بهتر و بیشتر الگوهای استقراری منجر می‌شود.

سرپرست هیئت باستان‌شناسی گفت: با شروع اقدامات صورت گرفته در فصل سوم دهستان‌های رامجرد، نقش رستم، رودبال، ابرج، مجدآباد، واقع در دشت میان کوهی شمالی و باختری شهرستان، مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفت.

او خاطرنشان ساخت: ۲۶۰ اثر باستانی در این فصل شناسایی شده که آثاری از دوران پارینه سنگی تا دوران اسلامی را دربرمی‌گیرد.

بارانی افزود: بیشترین آثار تپه‌ها و محوطه‌های باستانی در دامنه کوه به شکل استقرارگاه‌های موقت کوچ نشینی و تک دوره‌ای، در دشت به شکل تپه‌های بزرگ و کم ارتفاع است که دارای توالی از نوسنگی تا اسلامی را شامل می‌شود.

این باستان‌شناس بیشترین گستردگی بررسی این فصل را تاکنون مربوط به کوه‌ها دانست که غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای از دوران پارینه سنگی تا دوران نوسنگی در کوه‌های مجدآباد، کوه حسین و کوه ایوب و گلدشت علیا را دربرگرفته است.

او در پایان تصریح کرد در همین بررسی در دامنه کوه‌ها آثاری از استودان‌ها و گورستان‌هایی از دوران صفویه تا دوران معاصر مربوط به کوچ نشینان و عشایر منطقه شناسایی شده است.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید گفت: سومین فصل بررسی و تهیه نقشه باستان‌شناسی دشت مرو دشت با مجوز پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور توسط باستان‌شناسان داخلی به پایان رسید. حمید فدایی افزود: تهیه نقشه باستان‌شناسی منطقه پارسه و دشت مرو دشت از طرح‌های مهمی است که در طول سال‌های گذشته توسط گروه باستان‌شناسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید پیگیری و با همکاری اداره کل استان انجام شده است.

فدایی گفت: سومین فصل از این بررسی برنامه‌ریزی شده و عملیات میدانی آن توسط همکاران باستان‌شناس پایگاه به سرپرستی وحید بارانی آغاز شد و به پایان رسید. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید ادامه داد در طول این برنامه، شناسایی و مستندنگاری، بخشی دیگر از ظرفیت‌های تاریخی منطقه و یافته‌ها و اطلاعات مربوط به محوطه‌های باستانی در دستور کار بود که نتایج حاصل از این بررسی بر روی سیستم مختصات جغرافیایی GIS پیاده خواهد شد.

وحید بارانی کارشناس گروه باستان‌شناسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و سرپرست بررسی تهیه نقشه باستان‌شناسی دشت مرو دشت نیز گفت: فصل سوم بررسی و شناسایی دشت مرو دشت به‌منظور تهیه نقشه باستان‌شناسی مرو دشت، دربرگیرنده حریم درجه سه مجموعه جهانی تخت جمشید و مرو دشت است.

او افزود: با توجه به فصول گذشته در این بررسی‌ها، تعداد ۴۰۲ محوطه در دشت میان کوهی این حوزه در حریم یک و دو مجموعه جهانی تخت جمشید بررسی و گزارش هر کدام جداگانه ارائه شده است.

بارانی اضافه کرد: از مهم‌ترین اهداف گروه باستان‌شناسی در این بررسی، شناخت کلی توالی گاه‌نگاری و تهیه نقشه باستان‌شناسی دشت مرو دشت و حوزه رودخانه کر و پلوار



دکتر افشین ابراهیمی، مدیر مجموعه میراث جهانی پاسارگاد خبر داد:

راه اندازی ایستگاه هواشناسی در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

به دنبال اجرای برنامه توسعه هواشناسی کشاورزی در شهرستان های استان، درخواستی از طرف اداره کل هواشناسی فارس مبنی بر احداث ایستگاهی در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد به دلیل برخورداری از شرایط حفاظتی مطلوب و عدم وجود موانع فیزیکی مزاحم به پایگاه ارائه گردید. طبق روال معمول، موضوع در شورای فنی پارسه - پاسارگاد مطرح گردید و با در نظر گرفتن ضوابط عرصه و حریم و بالطبع فواید آشکاری که بهره برداری از داده های هواشناسی برای حفاظت هر چه

مطلوب تر اثر به همراه دارد، نصب و راه اندازی ایستگاه، مورد موافقت قرار گرفت. متعاقباً محلی در گوشه شرقی محوطه (محدوده فنس کشی) به تشخیص کارشناسان پایگاه برای احداث ایستگاه انتخاب و به مسئولین امر در اداره کل هواشناسی استان پیشنهاد شد و بدین طریق عملیات اجرایی آغاز گردید. این ایستگاه از نوع سینوپتیک خودکار و مجهز به دیتالاگر، سنسور سمت و سرعت باد، سنسور دما، سنسور رطوبت، سنسور فشار، سنسور تشعشع سنج، منبع تغذیه برق، مودم APN، برق گیر و دو حلقه چاه earth است. مراسم افتتاح این ایستگاه در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۶ در پنجمین روز هفته دولت با حضور آقای احمدزاده، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری فارس، آقای فلاحی، فرماندار شهرستان و جمعی از مسئولین محلی برگزار گردید.

معماری موجود بر فراز این تپه طبیعی نموده است. با اینکه پیشتر، بخش غالب ساختارهای شناسایی شده، مورد خواناسازی قرار گرفته و چهره گویاتری از وضعیت معماری محوطه را به نمایش گذاشته، لیکن به خاطر باقی بودن ایراداتی در شکل استفاده از مواد و مصالح مرمتی (خشت و اندود کاهگل) و نحوه شیب بندی و دفع آبهای سطحی، کماکان آثار معماری این بخش از مجموعه در معرض تهدید و تخریب قرار دارند. برای به حداقل رساندن آسیب های ناشی از عوامل محیطی و انسانی، طرح ساماندهی محوطه تل تخت از اواخر سال گذشته آغاز گردید و همچنان نیز ادامه دارد. این طرح مشتمل بر اقدامات متعددی است که مهمترین آنها عبارتند از: ترمیم و تجدید اندود کاهگل، پاکسازی علف های هرز، کانال کشی، تعبیه ناودان های سفالی، اجرای پلکان های استحقاظی، مسدود کردن مسیرهای فرعی، طراحی مسیر ویژه بازدید، پوشاندن برخی از تاسیسات آبی، جمع آوری قطعات سنگی پراکنده و تشکیل باغچه سنگ و ایجاد موانع برای مهار و هدایت آب های سرگردان.



ساماندهی و حفاظت بقایای معماری تل تخت در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

تل تخت، مرتفع ترین قسمت مجموعه میراث جهانی پاسارگاد، در بردارنده ساختارهای گلین ارزشمندی از دوران هخامنشی است. با این وجود، کوش های پی در پی، عدم توجه کافی به حفاظت های پس از حفاری در طول سالیان گذشته و فقدان مسیر بازدید معین و منطبق بر نیازهای حفاظتی، آسیب زیادی را متوجه آثار



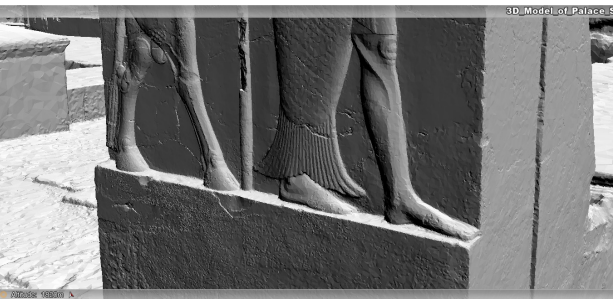
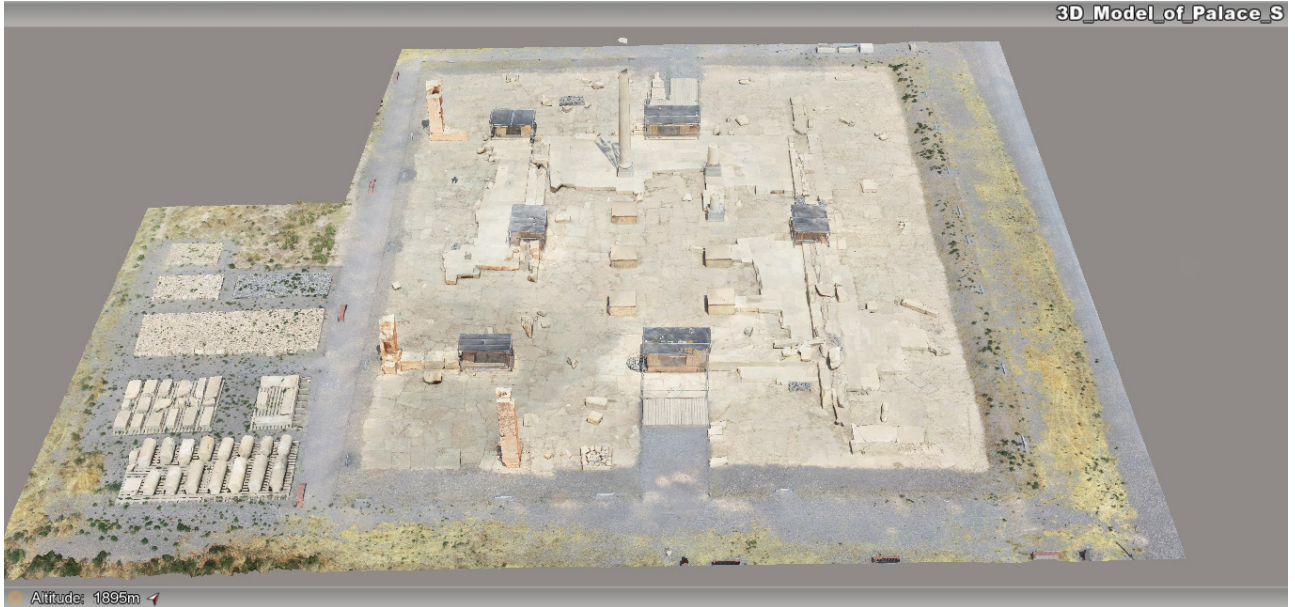
راه اندازی مرکز پایش و مراقبت از سازه های آبی تاریخی منطقه پاسارگاد

می شوند، اقدام به دایر کردن ایستگاه نگهبانی و دفتر پژوهش های میدانی، مصادف با حضور رئیس و معاون پژوهشکده باستان شناسی، در محدوده یکی از سدها (سد بستان خانی) گردید. با انتقال بخشی از امکانات و تجهیزات پایگاه میراث جهانی پاسارگاد به موقعیت یاد شده و به کارگیری یک نگهبان تمام وقت از اهالی بومی منطقه که مسئولیت مراقبت از عموم آثار شناسایی شده را بر عهده دارد، امید می رود حفاظت درخور از این نفایس معماری به عمل آید و در ادامه با حضور برخی از کارشناسان پایگاه در محل، هسته پژوهشی اولیه که اختصاصاً به مستندسازی و مطالعه تاسیسات آبی به جا مانده از دوران هخامنشی می پردازد، شکل گیرد. دستاوردهای پژوهشی این اقدام می تواند به اضافه شدن این آثار به محدوده میراث جهانی پاسارگاد بیانجامد.

در گستره دشت پاسارگاد و پیرامون آن، آثار و محوطه های ارزشمند تاریخی بسیاری وجود دارد که بخشی از آنها را ساختارها و سامانه های مرتبط با مدیریت منابع آب دوران تاریخی (هخامنشی) تشکیل می دهد. این گنجینه که شامل هفت سد و بند هخامنشی و آبراه ها و شبکه های آبرسانی به طول نزدیک به هشتاد کیلومتر است، در دشت خرمبید، دشت مرغاب، دشت پاسارگاد، دشت سرپنیران و دشت کمین پراکنده شده اند. در نخستین گام، به منظور حفاظت و مراقبت فیزیکی این آثار که همواره از ناحیه فعالیت های کشاورزی و عمرانی و بعضاً کاوش های غیر مجاز تهدید



3D_Model_of_Palace_S



مستندسازی و تهیه مدل سه بعدی آثار معماری مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

به منظور مطالعه و معرفی هر چه بهتر آثار شناسایی شده در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد، مشتمل بر بقایای معماری پراکنده در عرصه این مجموعه (آرامگاه کوروش، کاروانسرای مظفری، کاخ اختصاصی، کاخ بارعام، کاخ دروازه، برج سنگی، تل تخت، آبراهه های باغ شاهی، کوشک های الف و ب، سکوهای عبادتگاهی محوطه مقدس) و نیز تاسیسات سد هخامنشی بستان خانی در چهل و پنج



کیلومتری پاسارگاد، طرح مستندسازی و تهیه مدل سه بعدی آثار معماری مجموعه در قالب قرارداد مشاوره ای با بخش خصوصی در گستره ای به وسعت تقریبی ۱۹۰ هکتار در حال انجام است. این طرح از نیمه مرداد ماه سال جاری آغاز شده و تا پایان مهرماه به طول می انجامد. در این روش که از کیفیت فنی بالایی برخوردار است، اجزای معماری با استفاده از دوربین های عکاسی حرفه ای و پهپاد، برداشت می شوند و سپس با بهره گیری از فناوری های دیجیتالی تکنیک فتوگرامتری هوایی و برد کوتاه، پردازش شده و اقدام به تهیه مدل سه بعدی آثار می گردد. برخورداری از قابلیت حرکت چرخشی ۳۶۰ درجه، این امکان را به وجود می آورد که بتوان علاوه بر کالبد معماری، جزئیات موجود (کتیبه ها و نقوش برجسته کاخ ها) را به خوبی و دقت مورد پایش و مطالعه قرار داد. قابلیت تهیه نقشه و عکس های تخت از مدل های سه بعدی و به حداقل رساندن مراجعات و دفعات بازرسی، از دیگر ویژگی های این شیوه از مستندسازی است.

این استاد دانشگاه با یادآوری اینکه تاباندن نور ماورای بنفش طیف‌های نامرئی را مشخص می‌کند، اضافه کرد: برای اولین بار از سطوح بنای تخت جمشید با این تکنیک عکاسی شده است؛ این ایده است که پیش‌تر کسی به فکر بهره‌گیری از آن برای عکاسی نبوده است.

او گفت: افرادی تنوری وجود رنگ در تخت جمشید را به شیوه‌های دیگر اثبات کردند؛ به عنوان مثال با بهره‌گیری از دوربین‌های میکروسکوپی و بررسی پیگمنت‌های رنگ بر روی سطوح محدود و نیز در بعضی قسمت‌ها با مشاهده مستقیم به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند؛ با استفاده از عکاسی ماورای بنفش و البته طیف‌سنجی (اسپکتروسکپی) راه‌حلی تازه برای اثبات و تحلیل داده‌ها مبنی بر وجود رنگ بر سطوح این بنای باستانی دست می‌یابیم؛ با این تکنیک عکاسی و علم طیف‌سنجی می‌توان از نورهای ساطع به عناصر موجود در زیر لایه‌های رسوبی آن پی برد.

آریافر در توصیف مشاهدات اولیه هنگام تاباندن ماورای بنفش بر آثار تاریخی تخت جمشید، گفت: توصیف شغف و شگفتی توأم با خرسندی از این موضوع، وصف ناشدنی‌ست و تنها باید آن را تجربه کرد؛ البته شرایط کار برای گردآوری این مجموعه، خاص بود.

عکاس خبرگزاری دانشجویان ایران، خاطرنشان کرد: زمان آغاز کار ساعات پایانی شب بود، زیرا نیازمند تاریکی مطلق هستیم، بعد از چندساعت کار و حوالی ۲ بامداد، اولین درخشش را روی سطوح مشاهده کردیم، باور کردنی نبود، قادر به چکاندن شاتر نبودم، هیجان ویژه‌ای داشت، یک حس خاص که توصیف آن بسیار دشوار است، شاید اگر از این لحظه فیلم و عکس تهیه می‌شد، موضوع بهتر قابل انتقال بود.

آریافر با بیان اینکه رویایی‌ترین شب را در حین گردآوری مجموعه درخشش تخت جمشید، تجربه کرده است، گفت: این ایده برای اولین بار در تخت جمشید انجام شد، چون علاقه‌ی شخصی و خاصی به آن دارم؛ این اتفاق برایم واقعا هیجان‌انگیز بود چون چندین سال به آن فکر می‌کردم و خب دیدم نظرم درست بوده. امیدوارم بتوانم این تکنیک از عکاسی را بر روی آثاری از جمله اشیاء موجود در موزه ملی هم تکرار کنم. آثاری در موزه ملی وجود دارد که با استفاده از این شیوه می‌توان به آسیب‌شناسی و شناسایی رد پنهان در زیر لایه‌های زیرین سطوحش پی برد. این شیوه از عکاسی شاید در مرمت و بررسی آثار باستانی بسیار راه‌گشا باشد.

این مدرس دانشگاه ابراز امیدواری کرد که انجام این پروژه عکاسی حرفه‌ای و گردآوری مجموعه عکس‌های «درخشش تخت جمشید» در آینده‌ای نزدیک زمینه‌ای را برای ترغیب علاقه‌مندان و متخصصان به همکاری در مسیر کشف داده‌های بیشتر از سطوح میراث جهانی تخت جمشید و سایر آثار تاریخی و باستانی، فراهم کند.

«درخشش تخت جمشید»، عنوان مجموعه عکس‌هایی از بنای تخت جمشید است که با استفاده از تابش اشعه ماورای بنفش به تازگی به ثبت رسیده. افشین آریافر، عکاس این مجموعه عکس اعتقاد دارد که کار او سندی دیگر برای تحکیم تنوری ثابت شده‌ی وجود رنگ بر سطوح بنای تاریخی تخت جمشید محسوب می‌شود. مجموعه عکس درخشش تخت جمشید به تازگی توسط افشین آریافر، مدرس دانشگاه شیراز، از نقاط مختلف بنای تخت جمشید ثبت شده که تنوری ثابت شده‌ی وجود رنگ بر سطوح آثار باقیمانده در این محوطه جهانی را، تحکیم کرده و عینیت می‌بخشد؛ این تصاویر با همکاری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و با تابش اشعه ماورای بنفش ثبت شده است. افشین آریافر در گفت‌وگو با ایسنا، در خصوص این پروژه گفت: عکاسی در این پروژه با روش تابش اشعه ماورای بنفش انجام شد و البته یک کار ابتکاری و تازه محسوب نمی‌شود اما برای اولین بار است که عکاسی با نور ماورای بنفش از سطوح تخت جمشید در تاریخ باستان‌شناسی ایران انجام می‌شود.

این مدرس دانشگاه شیراز خاطرنشان کرد: تاباندن اشعه‌ی ماورای بنفش بر روی سطوح آثار و بقایای تاریخی، هیچ‌زیانی برای این آثار در پی ندارد و جمع‌آوری مجموعه عکس درخشش تخت جمشید نیز با نظارت مستقیم مدیر محترم پایگاه میراث جهانی تخت جمشید اجرایی شده است.

آریافر با قدردانی از حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید به واسطه همراهی و حمایت موثر در اجرای این پروژه، در خصوص ایده‌ی اولیه و هدف ثبت این مجموعه، توضیح داد: پیشتر مقالاتی راجع به نقاشی‌های میکال آنژ خوانده بودم؛ در زیر بعضی از نقاشی‌های میکال آنژ طرح‌هایی وجود دارد که بعدتر با نقاشی‌های دیگر وی پنهان شده است.

او گفت: عکاسی ماورای بنفش از این نقاشی‌ها، دستیابی به این یافته‌ها را سبب‌ساز شده است؛ در آن مقالات به درخشش رنگ‌ها در زمینه‌ی رنگ نور ماورای بنفش اشاره شده بود؛ عناصر مواد تشکیل‌دهنده رنگ‌های موجود در سطح زیرین رسوبها پس از گذر سالیان ویژگی فلورسنت پیدا کرده، طیف‌هایی از نور را ساطع می‌کند؛ با استفاده از همین موضوع می‌توان به وجود آثار رنگ در بنایی مثل تخت جمشید پی برد.

آریافر ادامه داد: با مشاهده‌ی عکس‌های حاصل از این شیوه عکاسی می‌توان بخش‌های درخشنده‌ی روی سطوح بنای تخت جمشید را دید؛ بدیهی‌ست که در حالت عادی با تماشای سطوح و عکس‌های رایج، هیچ‌کدام از نقاط درخشنده قابل رؤیت نیست، این خود وجه تمایز مجموعه‌ی «درخشش تخت جمشید» با سایر عکس‌های به ثبت رسیده از این میراث جهانی محسوب می‌شود

درخشش تخت جمشید

The brilliance of Persepolis

Research plan and photography: Afshin Ariafar

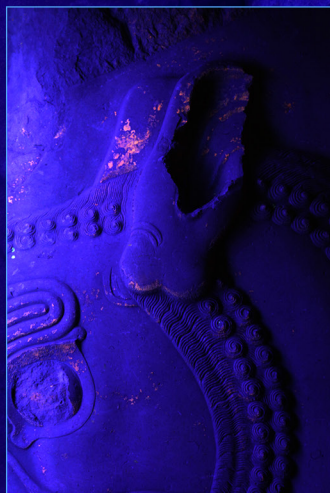
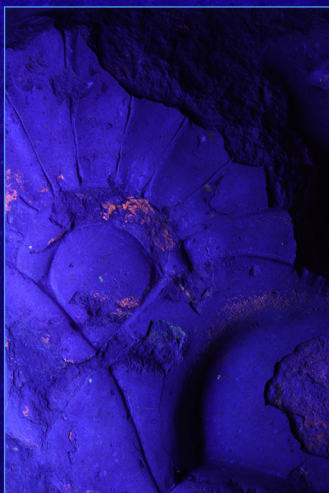
با همکاری دکتر حمید فدایی

مدیریت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

طرح تحقیق و عکسبرداری: افشین آریافر



<https://www.isna.ir/news/99070201091/>





آقای گنجعلی زارع از پیشکسوتان مرمت تخت جمشید، متولد سال ۱۳۳۰ شمس آباد تخت فرزند مرحوم رجبعلی زارع است که از سال ۱۳۱۰ به عنوان حفار درجه یک در تخت جمشید کار می کرده است. گزارشی یک دیدار این شماره فصلنامه پارسه - پاسارگاد به گفت و گو با ایشان اختصاص دارد.

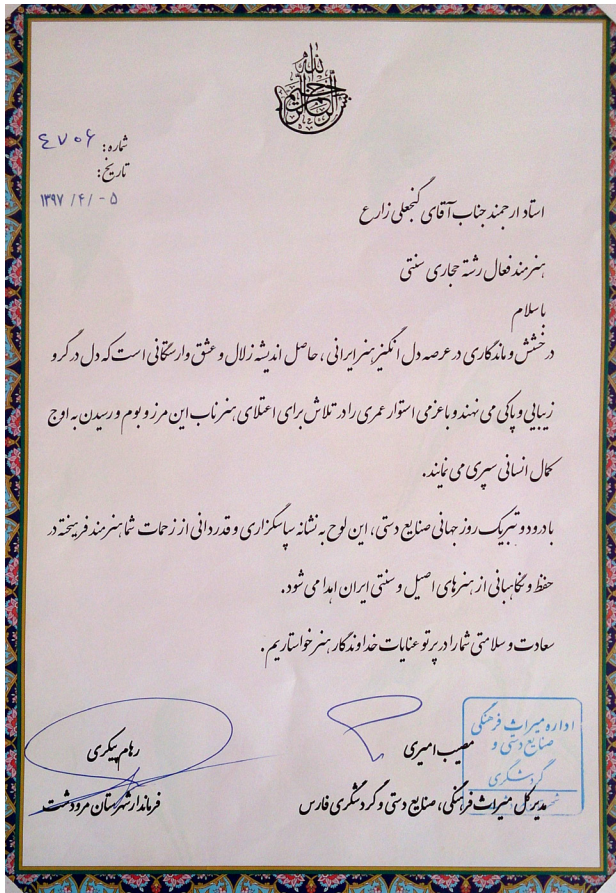
پاکسازی چاه ما ۱۶ جمجمه سر پیدا کردیم. یک روز غدیر گرجی از همکارن سابق از دکتر سرفراز در مورد قدمت این جمجمه ها پرسید که جواب دادند قدمت آنها را نمی دانم اما تمامشان مرد هستند چون جمجمه آنها صاف و یک تکه است.

بسیار خوب. آقای زارع گویا مرحوم پدر گرمی شما هم در تخت جمشید مشغول به کار بودند. امکانش هست کمی در مورد کار و خاطرات پدرتان در تخت جمشید برای ما بگویید؟

بله یکی از خاطرات مرحوم پدر، که برایتان بازگو می کنم ماجرای صندوقچه ای قفل شده است که ایشان روزی که در کاخ آپادانا کار می کرده و زمانی که تاق خراب شده و زمین تل خاک بوده پای یکی از ستون ها پیدا می کند. پدرم با کلنگ آن را باز می کند و داخل آن چند کتاب می بیند که آنها را تحویل آقای اشمیت و همسرش می دهد. خاطره دیگری نیز از پدر به یاد دارم که شاید گفتنش برای خوانندگان شما جالب باشد. ایشان تعریف می کرد یک روز زمانی که پس از کار به خانه رسیدم و خواستم کلاهم را بردارم دیدم یک فنر طلائی حدودا ۲۰ سانتی روی زمین افتاده و می درخشد. یادم آمد همان روز فنری را در تخت جمشید پیدا کرده بودم و برای اینکه گم نشود آن را دور کلاهم گذاشته بودم که تحویل دهم اما فراموش کرده و با خودم به خانه آورده بودم. آن روز ناراحت شدم که چرا فراموش کردم و آن را تحویل ندادم، فردای همان روز که به تخت

آقای زارع برای شروع گفت و گو لطفا برای خوانندگان ما در مورد چگونگی و نحوه حضورتان در تخت جمشید بگویید

من سال ۱۳۴۳ برای کار به تخت جمشید رفتم. گروه ایتالیایی که در تخت جمشید مشغول بودند نگاهی به من کردند و گفتند کوچک است! آقای رعنائی که انسان بزرگی بودند گفت پدرش عیالوار است کاری به او بدهید. آنها هم قبول کردند. چون سن من خیلی کم بود برای کارگران و مهندسان آب خوردن می بردم. بعد از آن آقای "بیجو" Biajo Tereza مرا پیش آقای سرمست فهمی برد که من آنجا کار بند کشی با سیمان انجام می دادم. مدتی بعد ما را برای خالی کردن چاه ها کنار دروازه نیمه تمام بردند که آنجا با اسب آب می کشیدند. ما برای تمیز کردن کانالها خاک ها را در سطل می ریختیم و دست به دست از داخل چاه می دادند تا من که نفر آخر بودم، آن را داخل کمپرسی زرد رنگی که تازه به ایران آمده بود می ریختم که متاسفانه بعد از انقلاب نمی دانم آن ماشین چه شد. جالب است که زمان



جمشید برگشتم بلافاصله آن را تحویل آقای اشمیت دادم. آقای اشمیت از صداقت من تعجب کرده بود و گفتند شما چه انسان با صداقتی هستید.

ممنون از خاطرات خوبی که از مرحوم پدرتان برای ما نقل کردید، پس پدر گرامی شما در تمام دوران فعالیتشان در تخت جمشید به حفاری مشغول بودند؟ بله، روی کارت پدر من نوشته شده بود کارگر حفار ماهر روزی ۲ ریال. پدر من از ۱۰ سالگی به تخت جمشید رفته بود و تا سال ۱۳۱۶ آنجا کار می کرد و بعد از آن هم به کشاورزی مشغول شد.

خوب آقای زارع حالا کمی هم از خودتان بگویند چه سالی به استخدام تخت جمشید درآمدید؟ نحوه فعالیتتان در تخت جمشید چگونه بود و اشخاصی که با آنها کار کردید چه کسانی بودند؟

اردیبهشت سال ۱۳۴۴ به استخدام مجموعه تخت جمشید درآمدم و آقای "بیجو" Biajo Tereza کار سنگ تراشی را به ما آموزش دادند. این که سنگ را چطور بچسبانیم. بعد از مدتی به عنوان جبار شاگرد آقای محمد اصفهانی در کاخ تاجر شدم. در واقع در ۱۶ سالگی برای جباری سه نفر نیرو در اختیار من قرار دادند که سن همه آنها از من بیشتر بود، چون من می توانستم سنگ های رگه دار را از سنگ مناسب تشخیص دهم.

از خاطرات پدر گفتید، حالا دوست داریم خاطراتی نیز از خودتان بشنویم

بله. روزی با درگیری استاد محمد با آقای بیجو سنگ تراشان اصفهانی را از تخت جمشید اخراج کردند. من کار جباری را در اندازه های کوچک نزد استاد محمد شروع کردم. زمانی که ۱۸ ساله بودم با بیجو مسابقه لوله بندی دادم او می گفت من در ایتالیا بهترینم. وقتی من آن مسابقه را بردم او ناراحت شد و من را جایی فرستاد که تک و تنها کار کنم.

خیلی ممنون از شما به خاطر خاطرات جالبی که برایمان تعریف کردید. پس اینطور که معلوم است شما بیشتر به عنوان جبار در تخت جمشید مشغول بودید؟

بله من تا سال ۱۳۵۲ بیشتر در معدن سنگ تخت جمشید برای استخراج سنگ کار می کردم و بعد به کنگاور رفتم.

آیا علاوه بر کنگاور جای دیگری هم مشغول شدید؟ منظورم فعالیت های بعدیتان پس از تخت جمشید و کنگاور است؟

بله من با شروع جنگ یک سال به جبهه رفتم و هفت سال در بنیاد شهید مرودشت مسئول خانواده

شهدا بودم اما بعد از جنگ به تخت جمشید بازگشتم و تا زمان باز نشستگی مسئول یگان حفاظت شدم.

چه سالی ازدواج کردید و چند فرزند دارید؟

سال ۱۳۵۱ ازدواج کردم. سه دختر دارم و دو پسر که یکی از آنها در سن ۲۸ سالگی فوت کرد که سنگ قبرش را خودم ساختم و پسر دیگرم مهدی از کارکنان یگان حفاظت تخت جمشید است.

آقای زارع با تشکر از وقتی که گذاشتید و گفت و گوی ما را پذیرفتید. به عنوان سخن آخر اگر مطلبی هست که دوست دارید بگویید لطفاً بفرمایید فقط امیدوارم حفاظت و مرمت در تخت جمشید بهتر از گذشته انجام شود تا این اثر ارزشمند تاریخی کشورمان به خوبی حفظ شود.

گفت و گو: یاسر جوادی
تهیه و تنظیم: مهرناز بردبار



یکی از کارگاههای برداشت سنگ در معدن هخامنشی الماس بری سیوند

معرفی معادن سنگ تاریخی پاسارگاد

فرهاد زارعی کردشولی و حمید رضا کرمی،
کارشناس ارشد باستان شناسی

در ساخت بناهای پاسارگاد از چند نوع سنگ استفاده شده که هر کدام در قسمت‌های خاصی از بنا به کار گرفته شده اند:

- سنگهای آهکی سفید رنگ
- سنگهای آهکی سیاه رنگ
- سنگهای ماسه ای کبود رنگ
- سنگهای طوسی رنگ

معدن سنگ سپید آهکی در نزدیکی روستای سیوند در دهانه تنگ خشک و کوه معروف به معدن الماس بری کوه تنب کرم سیوند قرار گرفته که نخستین بار توسط مراد برزو یکی از کارکنان بنگاه علمی تخت جمشید در سال ۱۳۳۴ ه.ش. کشف گردیده است. این سنگ از نوع سنگهای آهکی است که نسبت به دیگر سنگهای استفاده شده در ساخت بناهای پاسارگاد مقاومت زیادی دارد. بیشتر سنگهای استفاده شده در ساخت بناهای پاسارگاد از این گونه سنگ است که تمام بنای آرامگاه کوروش، برج سنگی به جز پنجره های کور آن و نما و پله های تل تخت از این سنگ استفاده شده است. همچنین قسمت‌های مختلف کاخها از جمله کف فرش کاخها، ستونها، جرزها، بخش پایین دیوارها نیز از این گونه سنگ است. در قسمت‌های مختلف معدن آثار چندین محل برداشت سنگ به خوبی نمایان است. مهندسیین و کارشناسان معدن شناس دوره هخامنشی توجه خاصی به جای برداشت سنگها داشته اند. این مهندسان جاهایی را جهت برداشت سنگ انتخاب کرده اند که دارای کیفیت مطلوب باشند و همچنین کمترین رگه و ضایعات را داشته باشند. توجه به محل، مقدار و جهت برداشت هر کدام از مکانهای برداشت سنگ این موضوع را تایید می کند. در هر کدام از این مکانهای برداشت، بلوکهای سنگی زیادی وجود دارد

با روی کار آمدن شاهنشاهی هخامنشی تحول چشمگیری در سبک معماری و استفاده از مصالح گوناگون به ویژه سنگ به وجود آمد. بکارگیری سنگ آن هم به صورت بلوکهای تراش خورده و صیقلی شده در مراکز مهم هخامنشی همچون پاسارگاد، تخت جمشید، نقش رستم، شوش، هگمتانه، برازجان و چندین محوطه دیگر به عنوان مصالح اصلی و پایدار مورد توجه است. در مجموعه تاریخی پاسارگاد همانطور که امروزه پیداست در قسمت های مختلف، سنگهای گوناگون به کار گرفته شده است. از سنگ در قسمت کفسازی (در دو لایه)، نما کاری دیوارهای خشتی و آجری، ساخت دیوار (تل تخت و آرامگاه کوروش و آرامگاه کمبوجیه)، شالی ستون و همچنین قلمه ستون و سر ستون (نمونه هایی پیدا شده از سر ستونهایی از سنگ سیاه در کاخ بارعام توسط هرتسفلد) و در قسمت سقف بنا (آرامگاه کوروش و آرامگاه کمبوجیه) استفاده می کردند. ابعاد و شکل و فرم سنگ ها متفاوت است که در بخش تکنیک های ساختمانی به آنها اشاره خواهد شد. برخلاف تنوع در ابعاد و اشکال سنگها جنس سنگهای بکار رفته از تنوع چندانی بر خوردار نمی باشد.

۱ استروناخ، دیوید، پاسارگاد: گزارشی از کاوشهای انجام شده توسط موسسه مطالعات ایرانی بریتانیا از سال (۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳)، مترجم، حمید خطیب شهیدی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹، ص ۹۲.



نشانه های تراش سنگ در معدن سنگ ماسه ای ابوالوردی

پنجره های کور برج سنگی و قاب بندی کف ایوان غربی کاخ اختصاصی استفاده شده که کمتر در معرض سرما و یخبندان و حرارت خورشید و باد و باران قرار گیرند. قرار گرفتن این سنگ در کنار سنگ های سفید یک حالت تضادی را به وجود می آورد که زیبایی خاصی را به بناهای پاسارگاد بخشیده است. در به کار گیری از این سنگ بیشتر جنبه هنری و زیبایی شناختی آن مورد توجه سازندگان بناهای پاسارگاد بوده است. بررسی ها و پژوهشهای زیادی پیرامون پاسارگاد جهت یافتن معدن سنگ های سیاه انجام گرفته است. در چندین محل از کوه های شرقی پاسارگاد نمونه ای از سنگ های سیاه یافت شده که از لحاظ ساختاری همانند سنگ های سیاه پاسارگاد هستند.

گونه دیگر، سنگهای ماسه ای است که مقاومت آن نسبت به سنگهای سفید کمتر است. در بیشتر بناهای پاسارگاد از این سنگ استفاده شده است. زیر ساخت بناها، آبنماهای باغ شاهی و دیواره داخلی تل تخت همگی از این سنگ ساخته شده اند. به دلیل اینکه ترکیب ساختاری سنگهای ماسه ای به گونه ای است که نمی توان آنها را پرداخت ظریف و یا صیقلی کرد، به همین دلیل از بکارگیری آنها در نما و کف فرش بناها اجتناب شده است. معدن این سنگ در فاصله حدود ۴ کیلومتری غرب مجموعه پاسارگاد و در میان تپه های شمالی ابتدای دشت چاه بید قرار گرفته که به تازگی شناسایی شده است.

سنگ های خاکستری و طوسی نیز یکی دیگر از سنگ های موجود در محوطه است. در فاصله ۱۰۰ متری جنوب آرامگاه کوروش، قطعاتی از سنگهای طوسی تراش خورده وجود دارد که کاربری آن به دلیل عدم کاوش هنوز مشخص نشده است. علاوه بر این به تازگی در عملیات ژئوفیزیک محوطه، آثار دیوارهای سنگچینی به طول حدود ۲۰۰ متر شناسایی شده که در ساخت آن از سنگ های طوسی رنگ بدون فرم و تراش استفاده شده است.

که از بدنه معدن استخراج شده و آماده انتقال به پایین معدن بوده اند. بیشتر سنگهای استخراج شده به صورت بلوکهای چهار گوش در اندازه های مختلف هستند. همچنین تعدادی قلمه ستون نیز در این معدن به چشم می خورد. لازم به ذکر است از معدن سیوند تنها در دوره هخامنشی استفاده نشده است. در دوره های بعد (دوره اسلامی - از صفویه به بعد) نیز از این سنگ ها در ساخت سنگ قبر استفاده کرده اند (تاکنون بیش از ده قبرستان با سنگ های سفید در شهرستان و در اطراف معدن الماس بُری شناسایی شده است مانند قبرستان امامزاده سلطان کرم که مربوط به دوران صفوی است).

زنده یاد علی سامی در کتاب پاسارگاد با اشاره به سنگ نوع دوم و سوم احتمال می دهد که این سنگ ها از معادن بومی منطقه به دست آمده باشد.

سنگهای سیاه از گونه سنگهای آهکی است که نسبت به دیگر سنگ های پاسارگاد استفاده کمتری از آن شده است. مقاومت این سنگ در برابر عوامل محیطی از جمله سرما و یخبندان، گرمای خورشید و فشار و ضربه کمتر از دیگر سنگهای پاسارگاد است. مهندسان سنگ شناس هخامنشی به خوبی از وضعیت ساختاری این سنگ آگاهی داشته اند و آن را در جاهای خاصی از بناها به کار برده اند. از این سنگ در ساخت درگاه ها، پایه ستون ها، سرستونها،



شخصی واحد هستند. سنگ تراشی از کهن‌ترین و قابل احترام‌ترین پیشه‌های ایرانی است که خود بستر کار حجاری را فراهم می‌کند. در این مرحله هنرمند حجار (نقار)، تزیینات و یا کتیبه‌های سنگی بسیار ظریف را بصورت قلمزنی بر بستر سنگ انجام می‌دهد که در تزیین مساجد، آرامگاه مردمان سرشناس و بناهای مهم بکار می‌آید. هنرمندان حجار، صاحب هنر و صنعتی والا بوده‌اند و نقوش و تزیینات منحصر بفرد را در کاخ‌های هخامنشیان در تخت جمشید خلق نموده‌اند.

پروژه ی بازآفرینی سردیس سرباز پارسی با رویکرد "باز زنده سازی هنر هخامنشی" با نظارت واحد صنایع دستی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و از سوی یکی از صنعتگران هنرمند مرودشتی به نام "پژمان ابراهیمی"، یادآور هنر حجاری به روش دو هزار و پانصد سال پیش و با استفاده از ابزارهای مانند قلم موج، قلم تخت، تیشه‌های دندان‌ه‌ای به سبک و سیاق هخامنشیان انجام شده است.

بی شک باز زنده سازی هنر هخامنشی صرفاً کپی کردن نقوش برجسته سنگی نیست، چه بسا توسعه و ترویج این هنر بتواند به شناسایی دقیق ابزار مورد استفاده هخامنشیان برای ساخت، تراش و صیقل دادن نقوش و مدت زمان احتمالی که صرف ساخت این نقوش می‌شده کمک شایان توجهی کند. در همین باره سردیس یکی از سربازان هخامنشی پارسی در نقوش برجسته تخت جمشید انتخاب و نقوش و جزئیات آن در در ابعادی کوچکتر از اندازه واقعی توسط یکی از هنرمندان حجار و سنگتراش مرودشتی خلق گردید.

پروژه باز آفرینی سردیس سرباز پارسی از فروردین ماه ۱۳۹۹ آغاز شد و برای عملیات اجرایی آن نزدیک به ۴۰ روز و یا به عبارتی ۳۰۰ ساعت مفید زمان صرف گردید. سنگ مورد استفاده در این پروژه سنگ آهکی یا کربنات کلسیم که همان سنگ کوه رحمت است، بوده است. نکته قابل توجه در ساخت این نقش برجسته، عدم کاربری



صنایع دستی و باز زنده سازی هنر هخامنشی (حجاری سنتی)

اعظم (اولدوز) روستایی؛ کارشناس و مسئول صنایع دستی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

هنر حجاری از بدو تولد بشر با او همراه می‌گردد. از همان آغاز که بشر برای بیان منظور خود، دست به دامان نقاشی روی دیوارهای غار شد، نقوشی را نیز کنده کاری و برجسته کاری نمود.

حجاری یعنی بیرون آوردن و جان بخشیدن به یک اثر هنری ظریف، از دل یک تخته سنگ زمخت بی‌جان. هنر حجاری در تخت جمشید از فلسفه و مفاهیم خاص خود برخوردار بوده و رویکردی نمادگونه داشته است. برای مثال طرح نقش برجسته نبرد شیر و گاو ضمن برخوردارگی از فلسفه ای عمیق به بیانی نمادگونه و اساطیری دست یافته است.

گاه در حوزه ی صنایع دستی بین حجار و سنگ تراش تفاوت قایل می‌شوند، اگر چه هیچ کدام از این دو را نمی‌توان به دیگری غالب دانست، چه بسا در برخی موارد سنگتراش و حجار هر دو،



تلاش می شود جهت حمایت از دوستداران این هنر، به زودی کارگاه آموزشی حجاری سنتی در تخت جمشید برگزار شود.

منبع:

هنر کده/آشنایی با حجاری سنتی در ایران/ honaryab.com/

ابزار و تجهیزات ماشینی بوده و کلیه مراحل حجاری بصورت دستی انجام شده است و حتی سنگتراش جهت ایجاد جزئیات نقش، باید مسافت کارگاه تا نقش برجسته اصلی را جهت رجوع به اصل نقش طی می کرد بدون آنکه از تصاویری با بزرگنمایی زیاد استفاده نماید.

همچنین هنرمند حجار در بازآفرینی این اثر از روشی شبیه به «گرتنه کردن» که یکی از روش های مورد استفاده در طراحی زمان هخامنشیان بوده استفاده کرده است. گرتنه کردن عبارت است از سوزن کاری طرح اولیه بر روی کاغذ، پوست حیوانات یا موادی مشابه و انتقال طرح سوراخ کاری شده روی بستر یا تکیه گاه مورد نظر که با استفاده از پودرهای رنگی انجام می شود. در این پروژه هنرمند به جای استفاده از پوست حیوانات از ورقه های مخصوص و پودر زغال استفاده کرده است.

بنا بر نظر سنجی های بعمل آمده قشر جوان در شهر مرودشت گرایش ویژه ای به خلق آثار هنری و تاریخی از نوع حجاری سنتی دارند و



یادداشتی کوتاه در لزوم توجه به تفاوت موجود در نسخه‌های چندزبانه کتیبه‌های شاهی هخامنشی

سهیل دلشاد^۱

حکومتی به دو یا سه زبان در این منطقه سنتی دیرین و شناخته شده بشمار می‌رفت از جمله کتیبه‌های دوزبانه سومری-اکدی و اکدی-آرامی در میان رودان، کتیبه‌های دوزبانه عیلامی خطی (Linear Elamite)-اکدی در قلمرو عیلام و کتیبه‌های دو زبانه اکدی-هیتی و اکدی-اورارتویی از شاهان هیتی و اورارتویی.

اما اگر بخواهیم در چهارچوب سنت کتیبه‌نگاری هخامنشی به چند زبانه بودن کتیبه‌ها بپردازیم، باید گفت که استفاده از چند زبان مختلف در کتیبه‌های شاهی هخامنشی می‌تواند معلول چند مسئله باشد: ۱- تلاش برای استفاده از یک زبان ایرانی (زبان فارسی باستان) در کتیبه‌های شاهان ایرانی که پیامد آن ابداع خطی مخصوص نگارش این زبان (خط میخی فارسی باستان) بود؛ ۲- وجود سنت بسیار کهن و البته نیرومند خط میخی در شرق نزدیک باستان و استفاده گسترده شاهان باستانی میان‌رودان و عیلام از خطوط و زبان‌های اکدی و عیلامی و به تبع آن شاهان هخامنشی؛ ۳- حضور مؤثر خط و زبان آرامی در شرق نزدیک باستان (بویژه میان‌رودان) از قرن‌ها پیش از پیدایش شاهنشاهی هخامنشی (دستکم از ابتدای هزاره اول ق.م.)؛ ۴- گسترده شدن قلمرو شاهنشاهی هخامنشی به سمت جنوب غرب (مصر) و دورانی طولانی از فرمانروایی شاهان پارس بر یکی از تمدن‌های کهن صاحب نظام نگارشی و ادبی خاص خود (یعنی مصری باستان).

بدین ترتیب در دوران هخامنشی (مخصوصاً از دوره فرمانروایی داریوش اول در سال ۵۲۲ ق.م. به بعد) شاهد حضور گسترده کتیبه‌های شاهی چند زبانه هستیم. طبیعی است که انتظار داشته باشیم با ظهور کتیبه‌های چند زبانه، کاتبان چند زبانه نیز برای تدوین متون مرتبط به کار گرفته شدند. حداقل در مورد نسخه عیلامی هخامنشی و بابلی هخامنشی بخش بزرگی از کتیبه‌های شاهی (بجز چند مورد خاص مانند استوانه کوروش) می‌دانیم که کاتبان این نسخه‌ها از گونه‌های از زبان بابلی و عیلامی استفاده نموده‌اند که با گونه‌های مورد استفاده کاتبان

شاهان هخامنشی آخرین شاهانی بودند که با ابداع یک نظام نگارشی در چهارچوب فرهنگ خط میخی، تلاش نمودند که به شکل گسترده‌ای از یک خط ابداعی میخی (یعنی خط میخی فارسی باستان) در کتیبه‌های خود استفاده کنند. هخامنشیان این ابداع و نوآوری خود را با سنت کهن‌تر خطوط میخی و زبان‌های بابلی و عیلامی، خط هیروگلیف و زبان مصری باستان و خط الفبایی و زبان آرامی ترکیب نمودند و حاصل این ابتکار، کتیبه‌های شاهی چند زبانه‌ای بود که در سرتاسر قلمرو شاهنشاهی هخامنشی پراکنده شدند. هرچند سنت نگارش کتیبه‌های شاهی به چند زبان در شرق نزدیک باستان سنتی بسیار کهن‌تر از هخامنشیان است، اما این هخامنشیان بودند که برای نخستین بار به شکل گسترده به تولید کتیبه‌های چند زبانه در سرتاسر قلمروی خود پرداختند. لازم به تکرار این حقیقت تاریخی نیست که چند زبانه بودن این کتیبه‌ها در رمزگشایی خط میخی در قرون هجدهم و نوزدهم نقش بسیار مهمی را ایفا نمود، اما نکته اصلی یادداشت کوتاه حاضر بیشتر اهمیت پرداختن به هر سه و در مواردی چهار نسخه از این کتیبه‌ها در دوران هخامنشیان است.

همانطور که در بالا اشاره گردید، چند زبانه بودن کتیبه‌های شاهی برای هخامنشیان یک سنت نوظهور به شمار نمی‌رفت. شاهان و فرمانروایان کهن‌تر از هخامنشیان در شرق نزدیک باستان، نیز گهگاه از کتیبه‌های دو یا سه زبانه استفاده می‌کرده‌اند و سنت ادبی نگارش کتیبه‌های

۱- مشاور امور کتیبه‌شناسی و زبان‌شناسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

اکنون نگاهی به متن هر سه نسخه و ترجمه از این کتیبه می‌اندازیم (در ترجمه شماره سطور در ابتدای هر بخش یا واژه نوشته شده است):

نسخه فارسی باستان

1. d-a-r-y-v-u-š : x-š-a-y-θ-i-y :
2. v-z-r-k : x-š-a-y-θ-i-y : x-š-a-
3. y-θ-i-y-a-n-a-m : x-š-a-y-θ-i-y :
4. d-h-y-u-n-a-m : v¹-i-š-t-a-s-p-h-y-
5. a : p-u-ç : h-x-a-m-n-i-š-i-y : h-
6. y : i-m-m : t-c-r-m : a-k^u-u-n-u-š

ترجمه:

داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، فرزند ویشتاسپ، هخامنشی، که این تچر را ساخت.

نسخه عیلامی هخامنشی

1. ^{DIŠ}da-ri-ia-ma-u-iš^{DIŠ}EŠŠANA ir-šá-
2. ir-ra^{DIŠ}EŠŠANA^{DIŠ}EŠŠANA-ip-in-na^{DIŠ}EŠŠANA^{DIŠ}
3. da-a-ú-iš-be-na^{DIŠ}mi-iš-ba-za-na-
4. áš-be-na^{DIŠ}mi-iš-da-áš-ba^{DIŠ}šá-ak-
5. ri^{DIŠ}ha-ak-ka₄-man-nu-ši-ia ak-ka₄
6. hi^{AS}da-iz-za-ra-um hu-ut-taš-da

ترجمه:

داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌ها با همه اقوام، فرزند ویشتاسپ، هخامنشی که این تچر (دزره) را ساخت.

نسخه بابلی هخامنشی

1. ^mda-ri-ia-a-muš LUGAL GAL-ú
2. LUGAL LUGAL^{meš} LUGAL KUR.KUR^{meš}
3. šá nap-ḫa-ri li-šá-nu gab-bi
4. A^muš-ta-as-pa
5. ^ma-ḫa-ma-an-ni-iš-ši-i
6. šá É a-ga-a i-pu-š

ترجمه:

داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌های^۳ دارای همه زبان‌ها، فرزند ویشتاسپ، هخامنشی که این سرا را ساخت.

میان‌رودانی (بابلی نو و متأخر) و عیلامی (عیلامی نو) تفاوت چشمگیری دارد. نحو نسخه‌های عیلامی هخامنشی و بابلی هخامنشی این کتیبه‌ها، تأثیر آشکار زبان‌های ایرانی را نشان می‌دهد. در عین حال دایره واژگان استفاده شده توسط کاتبان این نسخه‌ها بویژه در نسخه بابلی هخامنشی و ساختار کتیبه‌ها، گویای آشنایی کاتبان سلطنتی هخامنشی با سنت ادبی موجود در شرق نزدیک باستان است.

پس از رمزگشایی خط میخی فارسی باستان در نیمه اول قرن نوزدهم و تلاش شرق شناسان برای رمزگشایی و خوانش نسخه‌های بابلی هخامنشی و عیلامی هخامنشی در نیمه دوم قرن نوزدهم، پژوهشگران فعال در حوزه کتیبه‌های شاهی هخامنشی در اواخر سده نوزدهم و اوائل سده بیستم با بذل توجه فراوان نسبت به اهمیت کار بر همه نسخه‌های این کتیبه‌ها، آثار خود را بر پایه نسخه‌های سه زبانه و گهگاه چهار زبانه کتیبه‌های شاهی تألیف نمودند. اکنون نیز با توسعه دانش در حوزه زبان‌های باستانی شرق نزدیک باستان و افزایش تعداد کتیبه‌های نویافته هخامنشی نسبت به نیمه اول قرن بیستم، باید در نظر داشت که هر پژوهش نوینی بر روی این کتیبه‌ها می‌بایست بر اساس سنت کتیبه‌نگاری هخامنشی به چند زبان مختلف صورت پذیرد و بحث در مورد ویژگی‌های یک کتیبه با تمرکز صرف بر یک تحریر (بطور مثال تحریر فارسی باستان) ابتر خواهد ماند.

برای بحث بهتر کتیبه‌ای کوچک ولی بسیار با اهمیت از نظر تاریخچه مطالعات میخی را بررسی خواهیم نمود. نمونه انتخاب شده کتیبه سه زبانه داریوش اول هخامنشی (DPa: Darius Persepolis a) می‌باشد که دو نسخه از آن بر بالای درگاه ورودی جنوبی کاخ تچر بر فراز نقش شاه نقر شده است (تصاویر شماره یک و دو). همانطور که در این تصاویر مشخص است این کتیبه در شش سطر نوشته شده و ترتیب قرار گرفتن نسخه‌های مختلف نیز متفاوت است. در جناح شرقی درگاه از چپ به راست بابلی هخامنشی، عیلامی هخامنشی و فارسی باستان نقر شده‌اند و در جناح غربی به ترتیب از چپ به راست فارسی باستان، عیلامی هخامنشی و بابلی هخامنشی قرار گرفته‌اند. دلیل این تفاوت در محل قرار گرفتن نسخه‌ها موقعیت نقش شاه بر روی دو جناح درگاه جنوبی و البته تلاش طراحان این کتیبه‌ها در قرار دادن نسخه فارسی باستان بر فراز سر شاه در هر دو جناح است.

پیش از آنکه نگاهی به متن این کتیبه و تفاوت در نسخه‌های آن بیندازیم ذکر این نکته ضرورت دارد که کتیبه مورد بحث به همراه کتیبه‌های دیگر در تخت جمشید بویژه کتیبه‌های کوتاه خشیارشا در نقاط مختلف کاخ موسوم به هدیش بویژه کتیبه‌هایی که اکنون با کد (XPe (Xerxes Persepolis e می‌شناسیم، نقش کلیدی را در کشف رمز خط فارسی باستان توسط گئورگ فریدریش گروتفند (Georg Friedrich Grote-) در دهه آغازین قرن نوزدهم میلادی داشته‌اند (در این مورد در آینده به تفصیل بحث خواهد شد).

منابع برای مطالعه بیشتر:

Henkelman, W. F. M. (2011). Cyrus the Persian and Darius the Elamite: A Case of Mistaken Identity. In R. Rollinger, B. Truschnegg, & R. Bichler (Eds.), *Herodot und das Persische Weltreich (Herodotus and the Persian Empire). Akten des 3. Internationalen Kolloquiums zum Thema "Vorderasien im Spannungsfeld klassischer und altorientalischer Überlieferungen"*, Innsbruck, 24.-28. November 2008 (pp. 577– 634). Harrassowitz Verlag.

Lecoq, P. (1997). *Les inscriptions de la Perse achéménide: Traduit du vieux perse, de l'élamite, du babylonien et de l'araméen*. Gallimard.

Rossi, A. (2012). Building Chronology and Epigraphic Chronology at Persepolis: DPa, DPb and XPk. In G. P. Basello & A. Rossi (Eds.), *DARIOSH Studies II; Persepolis and its Settlements: Territorial System and Ideology in the Achaemenid State* (pp. 445–458). Università degli studi di Napoli 'L'Orientale'.

Schmitt, R. (2000). *The Old Persian Inscriptions of Naqsh-e Rostam and Persepolis*. School of Oriental and African Studies.

Schmitt, R. (2002). Grotefend, Georg Friedrich. In *Encyclopaedia Iranica: Vol. XI, Fasc. 4* (pp. 368–369).

Schmitt, R. (2009). *Die altpersische Inschriften der Achämeniden. Editio minor mit deutscher Übersetzung*. Reichert.

Shahbazi, A. S. (1985). *Old Persian Inscriptions of the Persepolis Platform: Vol. I The Old Persian Inscriptions*. Lund Humphries.

Weissbach, F. H. (1911). *Die Keilinschriften der Achämeniden*. J. C. Hinrichs'sche Buchhandlung.

نقاط افتراق دو بخش از این کتیبه در سه نسخه با رنگ قرمز مشخص شده است. بخش نخست، عبارت به کار رفته پس از «شاه بزرگ» است که در فارسی باستان به شکل «شاه کشورها» (*xšāyaθiya dahyunām*)، در نسخه عیلامی هخامنشی به صورت «شاه سرزمین‌ها با همه اقوام» (*Sunki daušbena mišbazanašbena*) و در نسخه بابلی هخامنشی به شکل «شاه سرزمین‌های دارای همه زبان‌ها» (*Sar matātī ša napḥari lišānu gabbi*) توصیف شده است. بخش دوم، نام بنای مورد اشاره کتیبه است که در نسخه‌های فارسی باستان و عیلامی هخامنشی «تَچَر» (*dazara/tačara*) و در نسخه بابلی با واژه‌نگار سومری «É» به معنای «سرا، کاخ» (*bītu*) نوشته شده است.

علت این نقاط افتراق هر چه (از جمله مسئله فضای مورد استفاده در کتیبه برای نگارش نسخه‌های مختلف) باشد، نکته مورد بحث و مهم این است که در عین حالی که باید به این تفاوت‌ها و جزئیات توجه شود، باید در نظر داشت که عبارت فارسی باستان «*xšāyaθiya dahyunām*»، عیلامی هخامنشی «*ya dahyunām mišbazanašbena*» و بابلی هخامنشی «*ša napḥari lišānu gabbi*» در عین اینکه از نظر معنایی با یکدیگر متفاوت هستند، سعی در انتقال یک پیام مشترک دارند. این تفاوت در جزئیات ولی اشتراک در کلیات از ویژگی‌های جالب توجه و کمتر بحث شده در مطالعات کتیبه‌شناسی هخامنشی است.

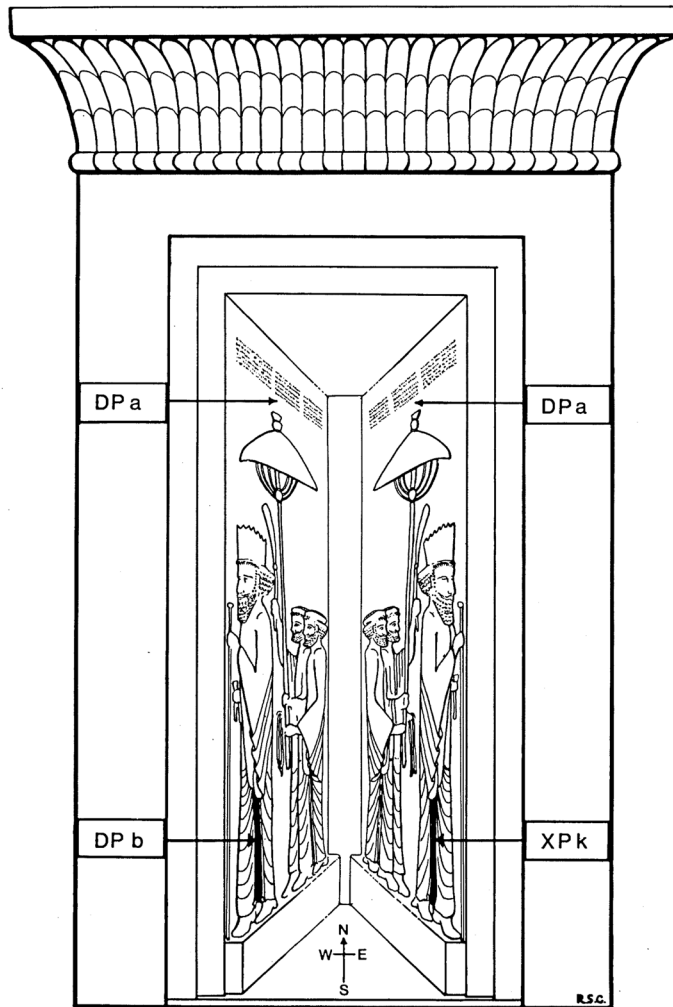


Fig. 1. Inscriptions in the South doorway of the Tachara, see p. 11.

تصویر شماره یک- محل استقرار کتیبه‌های داریوش در درگاه جنوبی کاخ تچر (Shahbazi, ۱۹۸۵, p. ۱۰)



تصویر شماره دو- کتیبه‌های سه زبانه داریوش در درگاه جنوبی کاخ تچر؛
به ترتیب از بالا به پایین، جناح شرقی و جناح غربی درگاه (ibid, Plate ۸a-b)



به بهانه ۲۵ تیر ماه سالروز درگذشت زنده یاد علیرضا شاپور شهبازی

حمید رضا کرمی

زنده یاد علیرضا شاپور شهبازی باستان شناس، تاریخ نگار، نویسنده و متخصص باستان شناسی دوران ایران هخامنشی در سوم شهریور ۱۳۲۱ در شیراز زاده شد. پدرش حاج ابراهیم شهبازی از زمین داران و باغ داران معروف شیراز بود که طبعی شاعرانه داشت و شهبازی از همان ابتدای کودکی اشعار حافظ، سعدی و فردوسی را از پدر فرا گرفت. دوره دبستان را در مکتب قصرالدشت شیراز گذراند و دوران دبیرستان را در دبیرستان حکمت، که در آن زمان مهدی حمیدی شیرازی، مدیر آن بود به پایان رساند. شهبازی پس از گرفتن دیپلم، در رشته تاریخ و جغرافیا در دانشگاه شیراز ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۴۷ با رتبه نخست مدرک کارشناسی تاریخ گرفت، سپس با استفاده از بورس شاگرد اولی برای ادامه تحصیل راهی لندن شد و در سال ۱۳۴۹ در رشته باستان شناسی آسیای غربی از دانشگاه لندن مدرک کارشناسی ارشد گرفت. پس از آن به ایران بازگشت و در دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۹ بار دیگر عازم لندن شد و در دانشگاه لندن در مقطع دکترا، در رشته باستان شناسی ایران هخامنشی به تحصیل خود ادامه داد و در سال ۱۳۵۲ مدرک دکتری خود را دریافت کرد و در سال ۱۹۸۳ دوره پسا دکتری را در رشته تاریخ شناسی ایران در دانشگاه گوتینگن گذراند.

شاپور شهبازی به زبان های انگلیسی و آلمانی مسلط بود و با زبان های فرانسوی، یونانی، عربی و آرامی آشنایی داشت و از میان زبان های ایران باستان به زبان فارسی باستان چیرگی کامل داشت.

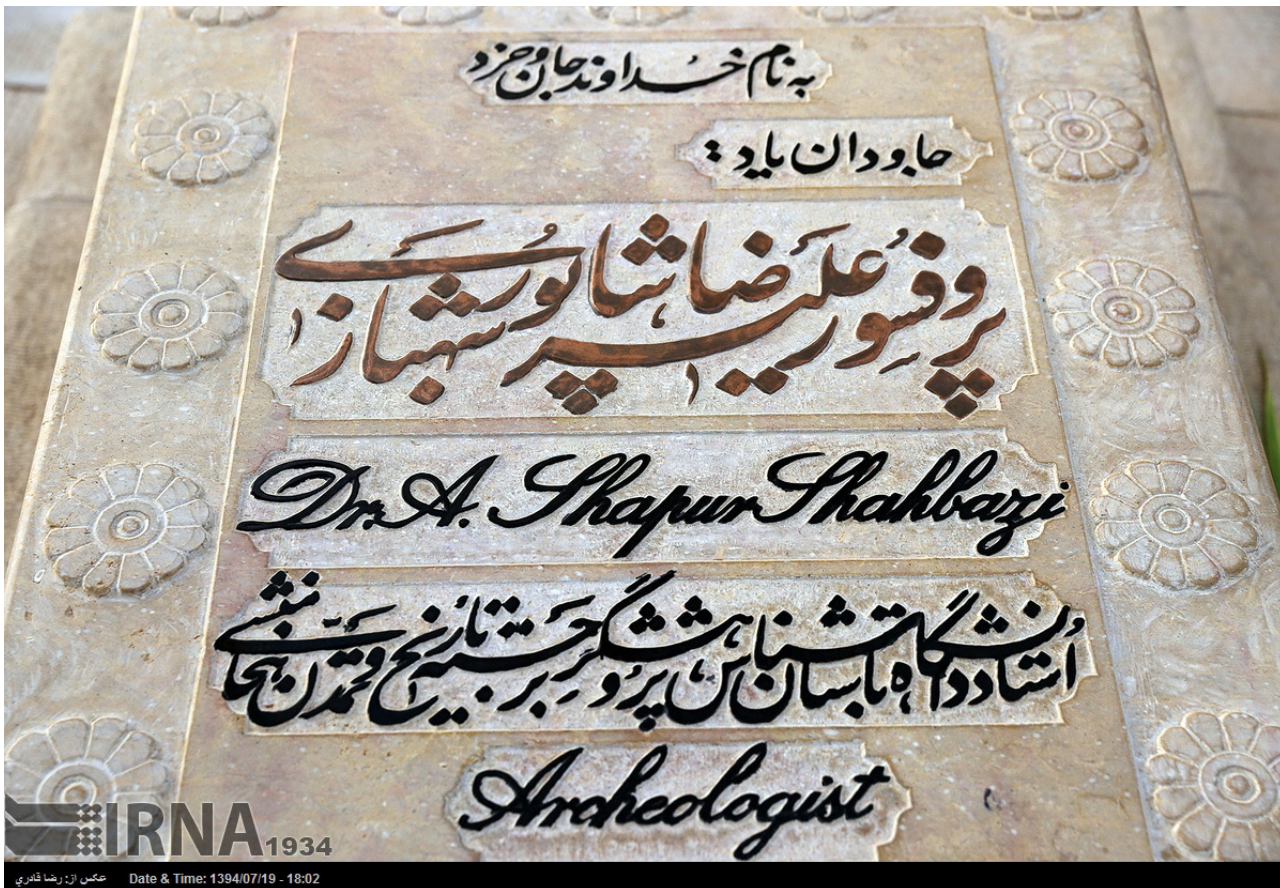
وی پس از بازگشت به ایران، مدت کوتاهی (حدود ۸ ماه) در سال ۱۳۵۲ ریاست بخش تاریخ موزه ملی ایران را بر عهده داشت و در همان زمان در دانشگاه تهران نیز تاریخ و تمدن ایران باستان آموزش میداد. پس از آن به شیراز بازگشت و در مؤسسه آسیایی شیراز به تدریس پرداخت. او در سال ۱۳۵۳ بنیاد تحقیقات هخامنشی را بنیاد نهاد و تا سال ۱۳۵۸ علاوه بر تدریس در مؤسسه آسیایی شیراز، ریاست بنیاد را نیز بر عهده داشت. وی همچنین در دانشگاه های تهران، هاروارد، کلمبیا، گوتینگن و اورگن شرقی، تاریخ هنر، تاریخ نگاری، تاریخ باستان و تاریخ خاورمیانه تدریس می کرد. شهبازی با برخی مراکز پژوهشی از جمله دائرة المعارف بزرگ اسلامی و مرکز نشر دانشگاهی همکاری نزدیک داشت. او مشاور، ارزیاب و عضو هیئت نویسندگان مجله های باستان شناسی و تاریخ و نامه ایران باستان بود. در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱ میلادی) که «بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد» بنا نهاده شد، شهبازی به مقام مشاور عالی علمی آن برگزیده شد.

علیرضا شاپور شهبازی از فعال ترین استادان در زمینه تاریخ پیش از اسلام ایران بود و ۱۸ کتاب در این زمینه به زبان های فارسی، انگلیسی، آلمانی و فرانسوی و ۱۸۰ مقاله در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و زبان ایران منتشر کرد که بسیاری از آنها در دانشنامه ایرانیکا چاپ شده است.



از کتاب‌های او زندگی و جهان‌داری کوروش کبیر (شیراز، ۱۳۴۹)، جهان‌داری داریوش بزرگ (تهران، ۱۳۵۰)، پژوهش‌های هخامنشی (شیراز: بنیاد تحقیقات هخامنشی، ۱۳۵۴)، کتیبه‌های تاریخی ایران باستان در صفت تخت جمشید (لندن، ۱۳۶۴)، یک پارسی: کوروش جوان (?)، شرح مصور تخت جمشید به زبان‌های فارسی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی (شیراز: بنیاد تحقیقات هخامنشی، ۱۳۵۷)، شرح مصور نقش رستم به زبان‌های فارسی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی (شیراز: بنیاد تحقیقات هخامنشی، ۱۳۵۷)، ایران و لیکه (?)، پاسارگاد (شیراز، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۹)، نقوش اقوام هخامنشی بنا بر حجاری‌های تخت جمشید (ترجمه)، تفسیر تاریخ طبری؛ ساسانیان؛ فردوسی: زندگی تحلیلی (انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۳۷۰) را می‌توان نام برد و نیز کتاب در دست چاپ از پارسه تا تخت جمشید که شوربختانه به دلیل بیماری و درگذشت ایشان در سال ۱۳۸۵ ناتمام ماند.

شهبازی در ۲۵ تیرماه ۱۳۸۵ بر اثر بیماری در شهر واشنگتن درگذشت. پیکر او پس از وفات به ایران آورده شد و در حافظیه به خاک سپرده شد.





نقش برجسته ارابه‌ران از جناح شرقی ضلع شمالی آپادانا- موزه بریتانیا
در ژوئیه ۱۸۱۱ توسط رابرت گوردون Robert Gordon که مأمور دیپلماتیک در ایران بود و
به سرپرستی سر گور اوسلی Sir Gore Ouseley ، سفیر بریتانیا در ایران به موزه بریتانیا انتقال یافت.

Details

Title: Stone relief showing a charioteer

Date Created: -599/-400

Physical Dimensions: Height: 55.00cm; Width: 77.00cm; Thickness: 10.50cm; Weight: 127.00kg (large fragment, weighed for G52, March 2007); Weight: 2.00kg (small fragment, weighed for G52, March 2007); Weight: 22.00kg (cast of heads, weighed for G52, March 2007)

External Link: [British Museum collection online](#)

Technique: carved

Subject: charioteer/chariot

Registration number: 1818,0509.2

Production place: Made in Persepolis

Place: Excavated/Findspot Apadana

Period/culture: Achaemenid

Material: limestone

Copyright: Photo: © Trustees of the British Museum

Authority: Ruler Darius I. Ruler Xerxes I

Acquisition: Donated by Aberdeen